



پیک بین الملل

پائیز و زمستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۷ و ۱۸



نشریه داخلی مدیریت همکاری ها و ارتباطات علمی و بین المللی دانشگاه فرهنگیان



دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدی بگیرند؛
دانشگاه فرهنگیان را که تولیدکننده ی معلم است
جدی بگیرند؛ هرچه می توانند برای این دانشگاه
سرمایه گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمیت این
دانشگاه از همه ی دانشگاه های دیگر بیشتر است.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی
دیدار فرهنگیان و دانشجومعلمیان دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۶/۰۲/۱۷



فهرست

۲	سخن سر دبیر
۳	معرفی بخش هایی از نظام آموزش و پرورش و نظام تربیت معلم پاکستان
۶	روابط بین المللی نظام تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۱۲	آشنایی با نظام تربیت معلم کشور کانادا
۱۶	اهمیت و ضرورت دیپلماسی آموزشی
۲۱	روزهای جهانی: اهمیت و چرایی
۲۸	تعامل با اساتید دیاسپورای ایرانی

سر دبیر : دکتر خسرو نظری
مدیر داخلی : محمد واشقانی فراهانی
گرافیکست : امیر عباسی
همکارانیکه در آماده سازی این ویژه نامه ما را یاری نمودند:
حجه الاسلام و المسلمین دکتر ابراهیم ماسوری- دکتر غلامرضا کریمی - دکتر خسرو نظری - دکتر حسین امیدی
-آقای محمد واشقانی فراهانی

ارتباط با مدیریت همکاری ها و ارتباطات علمی و بین المللی دانشگاه

International.fteu@gmail.com
international@cfu.ac.ir
<https://cfu.ac.ir/en>
<https://cfu.ac.ir/ISCU>

تلفن : ۰۲۱-۸۷۷۵۱۲۳۷ ۰۲۱-۸۷۷۵۱۱۵۸



بیماری همه گیر کرونا و آگاهی جدید درباره قدرت آموزش و پرورش برای بهبود جهان

تعطیلی مدارس بواسطه بیماری همه گیر کووید باعث شد بسیاری از افراد در مورد از دست دادن احتمالی فرصت یادگیری و عدم تعامل مداوم با یادگیری و تفاوت های قابل توجه در کشورها از حیث از دست دادن فرصت یادگیری و تعطیلی مدرسه و ترک تحصیل بالقوه ابراز نگرانی کنند. این نگرانی قابل توجه است زیرا نشان می دهد که در سراسر جهان تحصیل به عنوان مطالبه ای برای کسب تجربه طبیعی رشد، به طور گسترده ریشه دوانده است. اینکه در شرایط یک بیماری همه گیر جهانی که زندگی مردم را در معرض خطر قرار می دهد توجه جدی معطوف به فرصت های تحصیل کودکان و جوانان است، نکته قابل توجهی است. از طرف دیگر، نگرانی در مورد آموزش طی بیماری کووید ۱۹ نشان می دهد که این نظر که همه کودکان باید حق تحصیل داشته باشند به عنوان یک موفقیت جهانی قابل توجه، امری عادی شده است.

برای کاهش زبان از دست دادن فرصت یادگیری و عدم درگیر شدن در یادگیری، مدارس و سیستم های آموزشی روش های جایگزینی برای ایجاد فرصت های ادامه تحصیل از راه دور برای دانش آموزان ایجاد کردند. این موارد شامل استفاده از منابع و فن آوری های مختلف، بسته های آموزشی، رادیو و تلویزیون و آموزش آنلاین است. علیرغم این واقعیت که این سیستم های جایگزین بچه ها را به سطح متفاوتی از موفقیت رسانده است و سوالات زیادی هم در مورد کارایی آنها در حمایت از یادگیری وجود دارد؛ این راهبردها ظرفیت قابل توجهی برای نوآوری سریع نشان می دهد. هنگامی که نظام های آموزشی روش های جایگزین ارائه را توسعه دادند، این سوال اساسی مطرح شد که چه چیزی باید آموزش داده شود و آیا باید اولویت های جدیدی در برنامه درسی تعیین شود تا ظرفیت های کاهش یافته در سیستم های جایگزین به کار گرفته شود. همچنین، این سوال همیشگی که "هدف از آموزش و پرورش چیست"، مورد توجه مجدد قرار گرفت. علاوه بر این، درحالی که که بسیاری از کودکان در کنار والدین ملزم به حضور در خانه های خود بودند، وقفه حضور در مدرسه، تجربه گسترده ی مشترکی را برای تعداد زیادی از مردم سراسر جهان فراهم کرد که از نزدیک شاهد روند درگیر شدن با برنامه درسی مدرسه از طریق راههای جایگزین آموزش شده بودند و در بسیاری از افراد، علاقه بیشتری نسبت به دانستن این مسئله که دانش آموزان چه دانش و مهارت هایی را کسب می کردند، ایجاد کرد.

اینگونه پرسش ها در خصوص اهداف آموزش و پرورش و بهترین راههای دستیابی به آنها، نه فقط در دوران شیوع بیماری، بلکه بلافاصله پس از پایان همه گیری و متعاقب آن با ما باقی خواهد ماند. با پیش بینی اینکه این بیماری چالش های ماندگاری را حتی پس از کنترل آن به جا خواهد گذاشت، بازگشت به مدرسه فقط از سرگیری دوباره آموزش رسمی آنگونه که قبل از همه گیری بود، نخواهد بود، بلکه لازم است مدارس برای پاسخگویی بهتر به نیازهای ایجاد شده در اثر بیماری همه گیر مانند کمک به دانش آموزان در توسعه مهارت های یادگیری مستقل، یا پرداختن به چالش های آشکار جوامع مانند فقر، نابرابری اجتماعی، تعارضات ملی و بین المللی آمادگی داشته باشند. علاوه بر این، این دو سوال که چگونه می توان با مدارس ارتباط بیشتر برقرار کرد و چگونه می توان ظرفیت نهادی و منابع را توسعه دهیم به هم گره می خورند. زیرا آشکار است به دنبال همه گیری یک دوره ریاضت اقتصادی خواهد آمد که در آن جوامع باید بسیاری از نیازها را با منابعی برطرف کنند که اکنون با کاهش سرعت فعالیت اقتصادی و هزینه های رسیدگی به بحران بهداشت عمومی، محدودتر شده است. نکته قابل توجه این است که بیش از آنکه بدانیم کشورهای مختلف چه اهدافی را برای آموزش و پرورش در نظر گرفته اند، نیاز است در خصوص تدوین راهبردهای صحیح تغییر آموزش برای کمک به همه دانش آموزان در دستیابی به گستره ای از مهارت ها را در دنیایی به سرعت در حال تغییر بدانیم و لذا آنچه جهان به شدت به آن نیاز دارد آگاهی از نحوه اجرای راهبردهای پیشبرد اهداف بلند پروازانه است.

با توجه به اینکه سیستم های آموزش کشورها در مراحل مختلف توسعه نهادی هستند، در ایجاد مراحل عملیاتی روشن برای پیشرفت در آموزش همه کودکان در یک سیستم خاص، لازم است بدانیم چگونه نهادهای آموزش و پرورش در طول زمان توسعه یافته اند، چگونه مسیرهای رشد از طریق کارکنان مدرسه، معلمان و رهبران آموزش و پرورش و مدارس به عنوان سازمان، منجر به ظرفیت بیشتر در دستیابی به اهداف بلند پروازانه تر می شود. همچنین، نیاز به دانش بیشتری در مورد جزئیات اجرای اصلاحات برای کمک به دانش آموزان در کسب مهارت های قرن بیست و یکم داریم. از آنجا که اولویت های آموزشی و ظرفیت نهادی کشورها در مراحل مختلفی قرار دارند، درک اینکه چگونه سیستم ها در مراحل مختلف توسعه آموزشی راهبردهایی را برای تأمین نیازهای یادگیری دانش آموزان اجرا می کنند، می تواند به ما کمک کند تا نظریه پردازی کنیم در هر مرحله ای چه راهبردی مناسب می باشد. این مراحل می تواند کمک کند که چگونه سیستم ها می توانند ظرفیت معلمان و مدیران را در دستیابی به اهداف بلند پروازانه ایجاد کنند، و اینکه چگونه چنین تلاش هایی در زمینه ایجاد ظرفیت توسط سایر اصلاحات نهادی پشتیبانی می شود. قابل پیش بینی است که فقدان یک نظریه مناسب برای توسعه راهبردهای دستیابی به اهداف بلند پروازانه در آموزش، منجر به ایجاد شکاف سیاستگذاری، اجرا و عمل می شود. این مطلب برداشتی از ترجمه کتابی توسط نویسندگان این متن در خصوص چارچوب نظری اصلاحات آموزشی در کشورهای کانادا، مکزیک، سنگاپور، پاکستان، کنیا و زیمبابوه براساس پنج دیدگاه یا پنج روش تفکر فرهنگی، روانشناختی، حرفه ای، نهادی و سیاسی است که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد. هدف این کتاب پرداختن به سوالات بالا و چند درس آموخته شده از تجزیه و تحلیل تطبیقی اصلاحات اخیر در مقیاس بزرگ آموزشی است که سعی در ایجاد ارتباط بیشتر مدارس با نیازهای جهان در حال تغییر دارد.



معرفی بخش‌هایی از نظام آموزش و پرورش و نظام تربیت معلم در پاکستان

دکتر خسرو نظری
مدیر همکاری‌ها و ارتباطات علمی و بین‌المللی
دانشگاه فرهنگیان

کارورزی ارائه می‌شوند. از میان پنج برنامه، کارشناسی آموزش و تربیت معلم شرقی نیاز به آموزش تخصصی‌تر داشتند، در حالی که برنامه‌های دیگر دارای ماهیت کلی بودند.

تربیت معلم، قبل و پس از شکل‌گیری دولت پاکستان

اگرچه تربیت معلم در پاکستان ابتدا بر اساس مدل بریتانیا بود، اما دیری نپایید که تربیت معلم به طرق مختلفی در پاکستان توسعه یافت. از جمله توسعه سریع بر اساس برنامه‌های مدل بازار و برنامه‌های خدمات در بخش خصوصی. در ادامه سه دوره مختلف که نشان‌دهنده سه مرحله تحول در چشم‌انداز تربیت معلم در پاکستان است، ارائه می‌شود. اولین دوره در ادامه‌ی مدل بریتانیا توسعه یافته آن بود. دوره دوم پس از تقسیم پاکستان شرقی (بنگلادش امروز) آغاز شد که تغییرات در برنامه‌ها و ایجاد یک دانشگاه آزاد و آموزش از راه دور که برنامه‌های تربیت معلم را ارائه می‌داد، آغاز شد. دوره سوم در دهه ۱۹۹۰ با رشد سریع برنامه‌هایی بر مبنای مدل بازار، ایجاد دوره‌های آموزشی و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای در زمینه خدمات و شروع اصلاحات جدید در قالب برنامه‌های چهار ساله آغاز شد.

دوره اول از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۳.

در سال ۱۹۴۷، پاکستان مدل تربیت معلم هند بریتانیا را به ارث برد، که شامل بیست و هفت مؤسسه برای آماده کردن معلمان ابتدایی و شش مؤسسه برای آماده کردن معلمان دبیرستان بود.

پیشینه تربیت معلم در پاکستان

ریشه تربیت معلم در پاکستان را می‌توان به آموزش مدرن، از جمله تربیت معلم در هند مستعمره بریتانیا که در اواسط قرن نوزدهم تأسیس شد، ارتباط داد. بعدها بخش‌هایی از هند که با نام پاکستان استقلال یافت همان مدلی که بر اساس مدل انگلیسی دوره‌های آموزشی/ برنامه‌های آموزشی پس از دوره دانشگاهی بود را پیش گرفتند. بر اساس نظر سیدیکویی (۱۹۹۱)، دو مؤسسه تربیت معلم در کراچی و لاهور تأسیس شد، که در سال ۱۸۵۴ به مدارس عادی تبدیل شدند. این مؤسسات شروع به ارائه برنامه‌های جدید عمومی نوجوانان کردند. از آنجایی که اکثر مؤسسات آموزشی تا آن زمان آموزش پایه را ارائه می‌دادند، به همه معلمان آموزش مشابهی ارائه می‌شد. با این وجود، با توسعه آموزش و پرورش، نهادها و مؤسسات بیشتری به تربیت معلمان پرداختند. بر اساس گفته سیدیکویی (۱۹۹۱) در سال ۱۹۴۷، زمانیکه پاکستان شکل گرفت، دوره‌های عمومی کودکان، عمومی نوجوانان، صدور گواهینامه در آموزش، دوره تربیت معلم شرقی و لیسانس در آموزش به برنامه‌های تربیت معلمان برای مراحل مختلف اضافه شد. همه این برنامه‌ها پس از دوره دانشگاهی بودند، برنامه‌های مبتنی بر دو مرحله تحصیلات تکمیلی که در آنها موضوعات خاص آموزشی، پداگوژی و

است. با این حال، سطح مطالعه در هر برنامه به منظور تامین نیازهای خاص تعلیم و تربیت، ماهیت مواد درسی در هر سطح و نوع مدرسه متنوع است. علاوه بر این، گواهینامه آموزش ابتدایی و گواهی تدریس از جمله برنامه های فراگیر بودند، در حالی که کارشناسی تعلیم و تربیت مورد نیاز حداقل دو زمینه: یکی زبان ها و یا علوم اجتماعی و یا هنر، و دیگری در علوم طبیعی و یا ریاضیات است. از آنجایی که پاکستان به دنبال یک سیستم دولتی واحد بود، اکثر این برنامه ها در مناطق مختلف پاکستان، از جمله پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی) تا سال ۱۹۷۱، با جدایی پاکستان شرقی، در مناطق مختلف متفاوت بود.



دوره دوم از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰

تجزیه و تحلیل این دوره، نشان از تغییرات زیادی در برنامه های تربیت معلم دارد، از جمله این تفاوت ها می توان به ساختارهای برنامه ها، برنامه های درسی مختلف، سازمان های مختلف موسسات تربیت معلم در استان های مختلف پاکستان و ایجاد دانشگاه آزاد و از راه دور اشاره کرد. علاوه بر این، بسیاری از موسسات آموزش ضمن خدمت دوره هایی را برای باز آموزی معلمان ارائه دادند. مدیریت آموزش از متمرکز به موضوعی استانی، تغییرات سیاسی و قانون اساسی پس از جدایی بنگلادش در سال ۱۹۷۱، از جمله تربیت معلم تغییر داد. دولت فدرال نقش راهنمایی در جهت سیاست گذاری و نظارت بر سیستم های آموزشی را حفظ کرد تا اطمینان حاصل شود که آموزش در تمام استان ها و قلمرو های فدرال با اهداف ملی هماهنگ شده است.

. Government Elementary College of [Teacher] Education

. Government College of [Teacher] Education

. Primary Teacher Certificate (PTC)

. Certificate of Teaching (CT)

. Bachelor of Education

(هودبوی، ۱۹۹۸). پاکستان طی دو دهه ی اول تاسیس خود با دو بحران که شامل دو دیکتاتوری نظامی و چند دولت غیر مردمی کوتاه مدت بود (هودبوی، ۱۹۹۸) مواجه شد. با این حال، همان طور که پاکستان در دوران جنگ سرد با آمریکا هماهنگ بود، نظام آموزش و پرورش، از جمله تربیت معلم، تحت تأثیر سیستم آموزشی ایالات متحده قرار گرفت.



از این رو، مدارس عادی برای تربیت معلمان مدارس متوسطه به دو نوع مختلف: کالج های ابتدایی آموزش و پرورش دولتی (GECE)، برای تربیت معلمان ابتدایی و متوسطه و کالج های دولتی آموزش (GCE) تغییر داده شدند. علاوه بر این، در چندین دانشگاه، بخش هایی تحت عنوان "تربیت معلم" ایجاد شد که برنامه های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را ارائه می داد. در ابتدا دانشگاه ها اغلب برنامه های آکادمیک ارائه می دادند اما کالج های دولتی تعلیم و تربیت (GCE) به طور خاص برنامه های تربیت معلم را ارائه می دادند، اما به تدریج بعضی از دانشگاه ها نیز ارائه برنامه های تربیت معلم را آغاز کردند. کالج های دولتی تعلیم و تربیت دو نوع برنامه ی تربیت معلم که شامل: برنامه ی آموزش ابتدایی برای معلمان ابتدایی و برنامه ی آموزش برای معلمان متوسطه اول را ارائه دادند.

کالج های ابتدایی آموزش و پرورش دولتی (GECE)، دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت ارائه دادند. با توجه به تعداد محدود این موسسات، اکثر ثبت نام کنندگان در این برنامه ها معلمان ضمن خدمت بودند که ثبت نام آنان بر اساس سنوات انجام می شد و معمولاً قبل از ثبت نام در این برنامه ها چندین سال به عنوان معلم کار کرده بودند. برنامه درسی و ساختار این برنامه ها (به استثنای برنامه کارشناسی ارشد که روی مطالعات پیشرفته متمرکز بود) تا حدودی مشابه بود: همه این برنامه ها شامل مبانی تعلیم و تربیت، روانشناسی تعلیم و تربیت، سنجش و ارزیابی، دوره های آموزشی / روش های موضوعی و دو ماه کارورزی که برابر با دو دوره

در دو دهه گذشته بخش خصوصی آموزش و پرورش در پاکستان رشد خوبی داشته است و تعداد مدارس، کالج ها و دانشگاه های مبتنی بر کارآفرینی و رشد مدل های در بازار به خوبی رواج یافته است. در سال ۱۹۸۸ دولت های تازه انتخاب شده تحت فشار و البته حمایت های سازمان های جهانی و بین المللی از جمله صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سایر سازمان های کمک کننده قرار گرفته و فرایند خصوصی سازی و سیاست های تمرکززدایی را پیش گرفتند. (علی، ۲۰۰۹؛ احسان، ۲۰۰۵)، که منجر به رشد بخش خصوصی آموزش شد.

مؤسسات دولتی نیز در این رقابت عقب نمانده و رویکردهای مبتنی بر بازار را در برنامه های آموزشی و تربیت معلم پیش گرفتند. فشارهای جهانی از جانب بسیاری از سازمان های بین المللی از اوایل دهه ۲۰۰۰ برای استقلال سازمانی و مالی، منجر به تغییرات سیاسی در آموزش عالی در پاکستان شد و به ایجاد کمیته آموزش عالی پاکستان منجر شد که نهادهای دولتی اجازه می دهد تا حدودی به طور مستقل عمل کنند.

در این راستا، مؤسسات آموزش عالی شروع به ارائه برنامه های خود به طور مستقل و بدون هیچ گونه بودجه عمومی کردند. این مهم به سازگاری و ایجاد بسیاری از برنامه های مبتنی بر بازار، از جمله برنامه های آموزش معلمان خارج از محیط دانشگاه توسط مؤسسات آموزش عمومی معلمان شد. این برنامه ها در بازار به خوبی عمل می کردند؛ بنابراین، بسیاری از مؤسسات آموزش غیر انتفاعی (مانند دانشگاه های کشاورزی، مدارس تجاری) نیز طرح های خود را ارائه نمودند. این برنامه ها در جهت کسب درآمد برای مؤسسات است. تحلیل اطلاعات منتشر شده توسط AEPAM (۱۹۹۵) (Islamabad) نشان داد که ۱۸٪ معلمان در پاکستان در سال ۱۹۹۵ آموزش مطلوب ندیده اند در نتیجه برنامه های ارائه شده توسط مؤسسات آموزشی غیرمستقیم با استقبال خوبی روبرو شد و این تغییرات اثرات قابل توجهی بر کیفیت و اثربخشی برنامه های آموزش معلمان داشت.

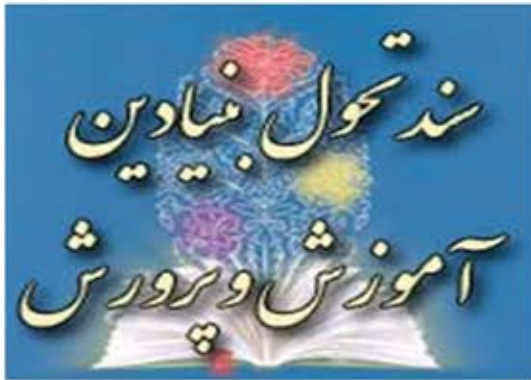
ادامه این مطلب را در پیک شماره بعد دنبال فرمایید.

از این رو سیستم های تعلیم و تربیت ولایتی، از جمله تربیت معلم، در استان های مختلف تا حدی متفاوت بوده است؛ با این حال، ساختار کلی برنامه و مقاصد برنامه در سراسر استان ها مشابه بود. از سیاست های مهم وزارت تعلیم در پاکستان، تأسیس و گسترش مراکز تربیت معلم، توجه به آموزش معلمان قبل از خدمت و ضمن خدمت و برنامه ریزی در جهت تربیت و تأمین معلمان مناطق محروم به ویژه معلمان زن است. پس از تجدید نظر در برنامه های آموزشی مدارس در سال های ۱۹۸۷ - ۱۹۸۶، تجدید نظر در برنامه های درسی تربیت معلم و دوره های آموزشی ضمن خدمت نیز ضرورت یافت، لذا اقدامات متعددی من جمله، بررسی برنامه های آموزشی پیش از خدمت معلمان و تدوین کتابهای جدید مراکز تربیت معلم در دستور قرار گرفت. این دوره همچنین شامل استقرار برنامه های تعلیم و تربیت خصوصی (دوره های حرفه ای) و بخش خصوصی برای معلمان بود. اگرچه تربیت معلم، تحت چارچوب سیاست های فدرال و مرکز نظارت فدرال آموزش عالی در سراسر استان ها مشابه بود، این دوره تغییرات خاصی را به ویژه در مورد ساختار سازمانی ولایتی و اعتباربخشی آنها نشان می دهد. هر استان دارای یک سازمانی خاص برای نظارت و مدیریت مؤسسات تربیت معلم بود.



دوره سوم از ۱۹۹۰ تاکنون

در این دوره تغییرات بسیار مهمی رخ داده است که همچنان ادامه دارد، از جمله رشد بخش خصوصی و طرح های مبتنی بر مدل بازار، رشد و تنوع برنامه های آموزش عالی، تغییرات بیشتر در استان ها و چندین برنامه اصلاحی که توسط دولت و سازمان های بین المللی آغاز شده است. در این دوره، سیاست های آموزش معلمان به طور شفاف توسط دولت فدرال و ملی صادر شد، شورای اعتباربخشی و استانداردهای حرفه ای ملی برای معلمان معلم طراحی شده است.



روابط بین المللی نظام تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

حجه الاسلام و المسلمین
دکتر ابراهیم ماسوری
پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت

«سند تو سعه پایدار» و «دستور کار اینچئون» (سند جهانی آموزش) را آکنده از وعده ها و آرمان ها می کنند، نظام تعلیم و تربیت اسلام مشحون از لطافت و مرحمت نسبت به مردم جهان است. بنا براین بنیاد تعلیم و تربیت در اسلام از ابتدا جهانی نهاده شده است. و تمام جهانیان وامدار تربیت پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) می باشند. و تلاش های مذبوحانه بعضی کشور های مدعی آزادی و لیبرالیم فرهنگی برای مخدوش نمودن چهره آفتاب عالمتاب نبی مکرم اسلام (ص)، هیچ خدشه ای در محوریت ایشان در تعلیم و تربیت عالم نمی گذارد. (شب پره گر وصل آفتاب نخواهد، رونق بازار آفتاب نکاهد).

با مطالعه سند تحول بنیادین در خصوص نحوه ارتباط با نظام ها و مراکز تعلیم و تربیت بین المللی و اندیشمندان تعلیم و تربیت به خوبی استفاده می شود که سند تحول، تعامل و ارتباط نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با دیگر نظام های بین المللی را به رسمیت شناخته و از دیدگاهی باز و تعاملی برخوردار است و انزوا و گوشه گیری و اکتفا نمودن به داشته های خود را به هیچ وجه تایید نمی کند: «نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکاء به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی - ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده،». (چشم انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ایران در افق ۱۴۰۴). همچنین سند تحول به مشارکت فعال در عرصه های بین المللی تصریح می کند. و البته در این تعاملات اولویت را به کشور های اسلامی می دهد: «مشارکت فعال در تعاملات بین المللی، با

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی حاصل مطالعات و پژوهش های مبتنی بر منابع و مآخذ اسلامی - ایرانی است که توجه به ارتباطات بین المللی به صورت پر رنگی در آن وجود دارد. مبنای نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش لایه انسانی هویت را نخستین لایه هویت می داند و می گوید: «اولین لایه هویت، لایه جهانی (انسانی) است. این لایه بر آن دسته از مشترکات انسانی تأکید می کند که در آن، متربی به چشم عضوی از جامعه انسانی نگریسته می شود». خدای متعال در قرآن مجید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را الگوی برجسته تعلیم و تربیت معرفی می کند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» «و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»؛ و حضرت رسول (ص) را «رحمت» برای همه انسانها و جهانیان می داند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» «و (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای همه اهل عالم باشی» (جمعه: ۲). علی (ع) در نامه به مالک اشتر نخعی که به عنوان والی مصر ایشان را منصوب نموده بود فرمود:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللَّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ: إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ» «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش» (نامه ۵۳ نهج البلاغه). برخلاف نظام سیاسی غرب که در عمل مصداق بارز «سبعا ضاريا، تغتنم اكلهم» هستند ولی در مقام سخن سرایی با نکوترین سخنان تفاهم نامه ها و قرار داد های بین المللی مانند:

اولویت جهان اسلام و انعکاس نظریات و تجربیات موفق داخلی در محافل و مراکز علمی جهانی» (راہکار ۱۱/۱۱)

بنا بر این، سند تحول بنیادین، به اندیشه های تعلیم و تربیت در عرصه جهانی بی اعتنا نیست، بلکه تعامل فعال و معرفی توفیقات آموزشی و تربیتی ایران را به سازمان ها و نهاد های خارجی جهت بالا بردن سطح امتیاز ایران در ارزیابی های جهانی ضروری می داند: «ارتقای جایگاه ایران در ارزیابی های کیفیت جهانی در چارچوب نظام معیارهای اسلامی و معرفی الگوی تعلیم و تربیت اسلامی به جهان» (راہکار ۴/۱۹). اما این تعامل بین المللی دارای ویژگی ها و خصوصیات است که در متن چشم انداز نظام تعلیم و تربیت به روشنی مشاهده می شود.

نخستین ویژگی این تعامل، ابتدای آن بر نظام معیار اسلام است. بنا بر این تعامل با مراکز تعلیم و تربیت و سازمان های بین المللی علمی آموزشی مانند «یونسکو» می بایست در راستای تعالیم دین مبین اسلام باشد. به عنوان مثال نمی بایست الزاماتی را پذیرفت که بر خلاف قاعده فقهی «نهی سبیل» باشد. این قاعده از آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء ۱۴۱): «و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود»، استفاده می شود. اصول اعتقادی مانند «توحید»، «نبوت» و «امامت» یا اصول اخلاقی «حیا»، «تقوا»، «تزکیه»، «کرامت»، «ادب» و «عزت» از اصول اسلامی یا بسیاری مولفه های مسلم حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام مبتنی بر بالا ترین سند بالا دستی اسلام یعنی قرآن کریم از اصول خدشه ناپذیری است که در تعاملات بین المللی می بایست از آنها تبعیت نمود. دومین ویژگی این ارتباط، «سازنده» بودن آن است. سند تحول بنیادین، توسعه ظرفیت های آموزشی و پرورشی داخلی برای حضور در صحنه های بین المللی را بادوقید: «فعال» و «سازنده»، از اهداف راهبردی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می داند: «توسعه ظرفیت ها و توانمندی های آموزشی و پرورشی برای حضور فعال و سازنده در صحنه های بین المللی و منطقه ای در راستای تحقق اهداف و مأموریت های مندرج در قانون اساسی و سند چشم انداز و سیاست های کلی مقام معظم رهبری و برنامه های پنج ساله». (راهبرد کلان ۱۴) یعنی ارتباطات بین المللی نظام تعلیم و تربیت ما می بایست زمینه رشد و بالندگی و شکوفایی هر چه بیشتر دانش، اندیشه و پرورش دانش آموزان ما را به دنبال داشته باشد. به عنوان

مثال بهره گیری از شیوه های نوین هوشمند سازی آموزش با الگو گرفتن از کشور هایی که در این زمینه تجربیات موفق دارند و به نتایج چشم گیری دست یافته اند، موجب پیشرفت و بهبود نتایج یادگیری و کیفیت آموزش در مدارس ما می شود. یا هم افزایی و همکاری در پروژه های پژوهشی بین المللی و همچنین نشست های هم اندیشی در خصوص رفع چالش های جهانی تعلیم و تربیت و شناخت و پاسخگویی به نیاز های آموزشی دانش آموزان با توجه به شرایط جدید رشد و فناوری در جهان، بسیار مطلوب و ضروری به نظر می رسد. بنا براین ارتباط ما با جهان خارج زمانی می تواند سودمند باشد که از «انفعال» به دور باشد و فعالیت بین المللی بخش های بین المللی وزارت آموزش و پرورش ما اثرات سازنده ای را برای بالندگی و به روز نمودن مدارس و معلمان ما به ارمغان بیاورد.



اگر چه توافق نامه های بین المللی مانند سند جهانی آموزش، مبتنی بر مشاوره های گسترده و فرایند های طولانی و پیچیده است، لیکن اعتماد به این فرایند های کارشناسی نمی بایست آموزش و پرورش ما را از بررسی محتوا و نقد عالمانه این توافق نامه ها برای تاثیر گذاری بر مفاد آنها و نیز انتقال نظرات مبتنی بر آموزه های تعلیم و تربیت دین مبین اسلام و ارزش های مترقی انقلاب اسلامی، باز دارد. آنچه در تصویب و اجرای سند بومی ۲۰۲۰ در ایران مشاهده شد، نمونه بارزی از انفعال در مقابل آموزه های تربیتی مبتنی بر نظام فکری و فلسفی غرب و مخالف با آموزه های مسلم اسلامی مانند قاعده «نهی سبیل»، یا مفاهیم اصیل اسلامی مانند «جهاد»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «غیرت»، «حیا و عفاف»، بود که از رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) و اندیشمندان تعلیم و تربیت مورد نقد جدی قرار گرفت. سند ۲۰۲۰ اگر چه با تحفظ ضعیف وزارت آموزش و پرورش و وقت، از اجرای همه مفاد سند سر باز می زد، لیکن در صورت اجرا موجب فراهم شدن سیطره و

و ولایت آموزشی سازمان ملل و سازمان علمی فرهنگی یونسکو بر مقدرات آموزش کشور و الزام آموزش و پرورش به اجرای بند های مختلفی چون مبارزه با تبعیض آموزشی نسبت به در «حاشیه ماندگان» که مصادیق روشن آن گروه ها و افراد مروج انحرافات جنسی و عقاید الحادی و انحرافی، و باز شدن پای آنها به مراکز آموزشی می شد. که زمینه ترویج و گسترش انحرافات اخلاقی و فکری آنها در فضای آموزش و پرورش را فراهم می کرد.

سومین ویژگی ارتباط و تعامل با اندیشمندان، وزارتخانه های آموزش و پرورش دیگر کشور ها و همچنین مدارس و ساز مان های بین المللی، شناخت و آشنایی عمیق نمایندگان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با غنای محتوایی و منابع اصیل اسلامی - ایرانی تعلیم و تربیت و در یک کلام داشته های بومی ایران اسلامی می باشد: «...مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام بخش آنها». که در این صورت، نمایندگان دستگاه تعلیم و تربیت ما می توانند با اعتماد به نفس کافی از خطر خود باختگی یا شیفتگی در مقابل داشته های تربیتی دیگران مصون مانده و با قوت قلب کامل به بیان دیدگاه های تربیتی راقی جمهوری اسلامی ایران در عرصه های بین المللی بپردازند: «...برخوردار از توانمندی های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام های تعلیم و تربیتی در سطح جهان». آشنایی با غنای فرهنگ تعلیم و تربیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام، موجب می شود تا در برابر نظریات و متد های جدید تربیتی احساس فقر آموزشی نکنیم و خریدار داشته های خود با بهای گزاف از دیگران نشویم. و به فرموده جناب حافظ، آنچه خود داریم را ز بیگانه تمنا نکنیم:

«سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد».

بسیاری از برنامه هایی که در مدارس ایران بر اساس سیاست های اسلامی و انقلابی تعلیم و تربیت اجرا می شود، الگویی بسیار خوب و جذاب برای دانش آموزان مدارس جهان است. مانند آموزش حکمت های قرآنی در خصوص احترام به والدین، ارتباط با خویشاوندان (صله رحم)، مشارکت بچه ها در نیکو کاری، آموزش شجاعت و ایستادگی در مقابل دشمن و فرهنگ سازی برای تشکیل حکومت عدل فراگیر جهانی و پایان دادن به همه گونه ظلم و بی عدالتی و فساد در جهان و صد ها مولفه تربیتی دیگر که می تواند نسل های آینده

جهان را افرادی آزاده، اخلاقی و قوی بار بیاورد. نظام تربیتی ما در نظام تربیتی کهن اسلامی - ایرانی ریشه دارد که در آیات قرآن، کلمات بی همتای اهل بیت علیهم السلام، اشعار و حکمت های سعدی و حافظ، حماسه سرایی های فردوسی، داستانها و ماجرا های رشادت های مردمان این مرز و بوم که سینه به سینه نقل شده است و حتی شرح زیبایی های اخلاقی بزرگان دین و اخلاق و دلآوری ها، مهربانی و انسان دوستی چهره هایی مانند سردار شهید قاسم سلیمانی به خوبی وجود دارد. البته به نظر می رسد در مقابل دشمنان استقلال اندیشه این آب و خاک همواره سعی در تهی نمودن ما از هویت علمی و تربیتی بومی برای وابسته نگه داشتن ما دارند، احیای ایمان به توانایی ها و داشته های بومی در همه عرصه ها بویژه در عرصه تعلیم و تربیت معجزه می کند. دستگاه ها و فعالان تعلیم و تربیت ما در شناخت و باز آموزی منابع حکمت و و ادبیات خود قصور دارند و دچار نوعی انقطاع از منابع هویتی خود شده اند، که اجرای صحیح سند تحول بنیادین این نقیصه را برطرف می کند.

چهارمین خصوصیت ارتباط بین المللی نهاد تعلیم و تربیت ایران اسلامی، رصد و بومی سازی تجربیات بین المللی آموزش پرورش و تربیت معلم می باشد. بعضی را هکار های سند تحول بنیادین، رصد تحولات تعلیم و تربیت در عرصه منطقه، جهان اسلام و عرصه بین الملل را برای بهره مندی و بومی نمودن آنها در آموزش و پرورش کشور را یکی از وظایف نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می داند؛ و البته این تعامل و بهره گیری را، منوط به همخوانی و سازگاری با نظام اسلامی می کند: «رصد کردن تحولات نظام های آموزش و پرورش، تربیت معلم و تحولات علمی در حوزه علوم تربیتی در سطح منطقه، جهان اسلام و بین الملل و بومی سازی تجربیات و یافته های مفید آنها و بهره مندی آگاهانه از آنها در چارچوب نظام معیار اسلامی». (راهکار ۹/۱۱)

منظور از تجربه های تربیتی، تجربه های زیسته نظام ها ی تربیتی، مدیران، معلمان و مراکز آموزشی است که برای رسیدن به اهداف مورد توافق در تعلیم و تربیت دست به نو آوری و ابداع شیوه های نوینی زده اند که مربیان آموزش و پرورش را با سهولت بیشتری به مقصد می رساند یا آسیب های تربیتی را کاهش می دهد. که این تجربیات نیز می بایست با اعتقادات و اخلاق اسلامی منافات نداشته باشد. به عنوان مثال منع بردن گوشی ها و تبلت هوشمند به کلاس درس برای جلوگیری از به هم خوردن تمرکز دانش

ارتباطات مجازی، بسیار آسان تر از قبل است. در باز بینی سند تحول، در راهکار «۷/۱۱» می بایست بعد از کلمه «ملی» کلمه «بین المللی» نیز اضافه شود: «توسعه زمینه پژوهشگری و افزایش توانمندی های حرفه ای به شکل فردی و گروهی میان معلمان و تبادل تجارب و دستاورد ها در سطح محلی و ملی». اگر چه هدف عملیاتی ۱۱: به بالا بردن سطح شایستگی معلمان به سطح جهانی اذعان دارد: «انطباق سطح شایستگی های حرفه ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت». ششمین ویژگی تعامل بین المللی نظام تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین، مهرورزی و گفتگو با مردم دنیا است. سند تحول به جنبه های انسانی هویت دانش آموزان توجه نموده و تکوین و تعالی آنها را ارزشی فاخر قلمداد نموده است؛ تقویت این جنبه های انسانی دانش آموزان موجب شکل گیری ارتباطی فاخر با همه انسان های کره زمین جهت گسترش حق محوری و عدالت گستری و مهرورزی و دوست داشتن همه ابناء انسانی می شود: «تکوین و تعالی جنبه های انسانی هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسان ها در سراسر جهان». (بیانیه ارزشها، گزاره ارزشی: ۱۱) یکی از این جنبه های انسانی مشترک بین انسانها، «کرامت انسانی» است. انسان از نظر اسلام دارای ارزش و کرامت ذاتی است؛ و این کرامت را خدای متعال به واسطه دمیدن روح الهی در کالبد انسان و بخشیدن موهبت عقل به او ارزانی داشته است. سند تحول بنیادین به کرامت ذاتی انسان و نیز تداوم بخشیدن به آن با کسب کرامت اکتسابی توجه نموده و آنرا از ارزش های متعالی سند تلقی نموده است: «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری». (گزاره ارزشی ۹). بر اساس همین کرامت انسانی است که انسانها به هم احترام می گذارند و غمخوار و دوستدار یکدیگر هستند و در غم و شادی هم شریک می گردند:

**بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند**

**چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضو ها را نماند قرار**

آموزان از تجربیات آموزشی بسیاری از کشور ها است که در مقابل استدلال بعض خانواده ها برای ارتباط عاطفی یا اطلاع از سلامت فرزندشان خواستار اجازه حمل گوشی به کلاس درس هستند به کار می آید. یا جدا نمودن فضا های آموزشی دختران و پسران دانش آموز از آغاز سن بلوغ، از توصیه های بعض اسناد بین المللی آموزشی است که برغم پذیرفته نبودن بعض مولفه های آموزشی آنها، با فرهنگ و اعتقادات اسلامی مطابقت دارد. پنجمین ویژگی ارتباط بین المللی نظام تعلیم و تربیت، آماده سازی دانش آموزان برای مشارکت در زندگی جهانی می باشد. امروزه رابطه بین انسانها در کره زمین از هر زمانی آسان تر شده است و ای بسا دانش آموزانی که پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی و یا متوسطه برای ادامه تحصیل یا زندگی به کشور های دیگری مهاجرت نمایند. نظام تعلیم و تربیت ما می بایست آمادگی هایی را در دانش آموزان به وجود آورد که در صورت مهاجرت، در فرهنگ و اعتقادات کشور های مقصد هضم نشده یا دچار خود باختگی فرهنگی نگردند. و یا در دوران دانش آموزی در تعامل با محصولات فرهنگی خارجی مانند فیلم ها و بازی ها دچار تناقضات تربیتی نشوند. سند تحول بنیادین در تعریف تعاملات بین المللی خود تنها نگاهش به ارتباط مسئولان و کارشناسان تعلیم و تربیت نیست، بلکه معتقد است که پرورش یافتگان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می بایست به گونه ای تربیت شوند که در عرصه های جهانی با رعایت اصول تربیتی اسلامی، مشارکت داشته باشند: «پرورش تربیت یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و ... و با روحیهی مسئولیت پذیری و تعالی خواهی و برخوردار از مهارت های ارتباطی، درحیات اجتماعی (در سطوح محلی تا جهانی) با رعایت اصول بر گرفته از نظام معیار اسلامی، مشارکت مؤثر دارند». (هدف عملیاتی ۱)

بسیار طبیعی است که نظام آموزش و پرورش منقطع از تحولات جهانی نمی تواند دانش آموز را برای تعامل و زندگی اجتماعی در سطح جهان پرورش دهد و آماده کند. البته با وحدت ملاک معتقدیم که علاوه بر دانش آموختگان آموزش و پرورش، معلمان و دانشجو معلمان گرامی نیز با تسلط و رعایت اصول آموزشی و پرورشی اسلامی برای قوی نمودن بنیه های تجربی خود و تبادل اطلاعات با معلمان جهان اسلام و معلمان سایر نقاط جهان تعامل داشته باشند. و این تعامل امروزه با فراهم آمدن زمینه های گسترده

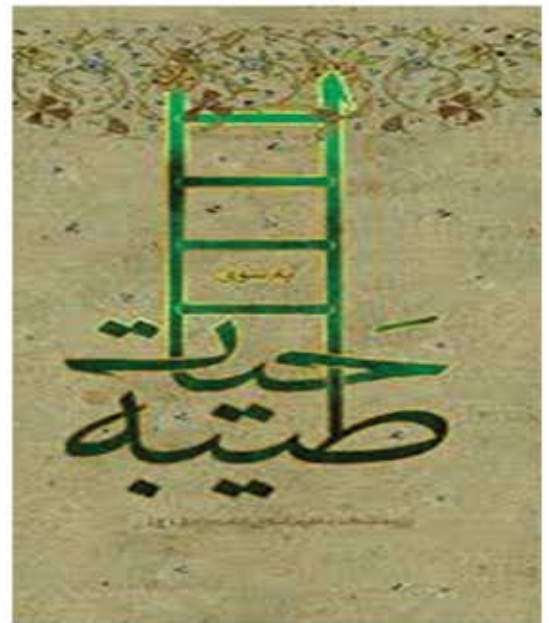


نقش اسوه ای و هدایتی رسول گرامی اسلام و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) است که تحقق جامعه عدل جهانی مهدوی را از آرمانهای نظام تعلیم و تربیت بیان می کند: «آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوهای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت مداری در تمام ساحت ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)» (گزاره ارزشی ۱). گزاره ارزشی دوم سند تحول نیز به تعلیم آموزه های مربوط به ولایت امام زمان علیه السلام اختصاص دارد: «آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت». هدف کلان دوم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز، زمینه سازی برای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی (علیه السلام) را از اهداف کلان سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران اسلامی می داند: «ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی...». اعتقاد به مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای برای برقراری دولت کریمه اهل بیت (علیهم السلام) و پر از عدل و داد نمودن زمین، یکی از وعده های حق قرآن کریم به مسلمانان و مستضعفان جهان است و قلوب مومنان و مسلمانان و مظلومان عالم شیفته و منتظر طلوع دولت جهانی حضرتش می باشد. نظام تعلیم و تربیت ایران اسلامی به دنبال تربیت دانش آموزانی است که زمینه ساز استقرار حکومت حضرت مهدی علیه السلام هستند: «تربیت پرورش تربیت یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه و آزادانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دست یابی به مرتبه ای از حیات طیبه، و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می نمایند و به رعایت احکام دین و موازین اخلاقی مقید هستند».

هفتمین شاخصه تعلیم و تربیت بین المللی سند تحول بنیادین، ارتقاء تربیت معلم در طراز جهانی است. سند تحول بنیادین به تربیت معلم با کیفیت و دارای انطباق با استانداردها و سطح شایستگی های بین المللی می اندیشد و به آن توصیه می کند: «بازمهندسی سیاست ها و باز تنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی های حرفه ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست های مناسب برای ارتقای شیوه های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش». (هدف عملیاتی ۱۱) که این ارتقاء کیفیت مطابق با سیاست های کلی نظام آموزش که از اسناد بالا دستی سند تحول آموزش و پرورش است، می باشد. برخی از سیاست های کلی در راستای اعتلای تربیت معلم در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: «ارتقاء کیفیت نظام تربیت معلم و افزایش مستمر شایستگی ها و توانمندی های علمی، حرفه ای و تربیتی فرهنگیان و روزآمد ساختن برنامه های درسی مراکز و دانشگاه های تربیت معلم و شیوه های یاددهی و یادگیری برای پرورش معلمان با انگیزه، کارآمد، متدین، خلاق و اثربخش» (سیاست: ۲-۱)، «اعتلای منزلت اجتماعی معلمان و افزایش انگیزه آنان برای خدمت مطلوب با اقدامات فرهنگی و تبلیغی و خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی فرهنگیان» (سیاست: ۳-۲) و: «توسعه مهارت حرفه ای و توانمندی های علمی و تربیتی معلمان با ارتقاء کیفی آموزش های ضمن خدمت و برنامه ریزی برای روزآمد کردن اطلاعات تخصصی و تحصیلات تکمیلی معلمان متناسب با نیاز آموزش و پرورش» (۳-۴).

طراحی نظام ملی تربیت معلم و راه اندازی دانشگاه فرهنگیان در راستای هدف عملیاتی ۱۱ تحقق یافت: «استقرار نظام ملی تربیت معلم و راه اندازی دانشگاه ویژه فرهنگیان با رویکرد آموزش تخصصی و حرفه ای تربیت محور توسط وزارت آموزش و پرورش با همکاری دستگاه های ذیربط» (راهکار ۱/۱۱).

و در نهایت افق جهانی تعلیم و تربیت اسلامی تحقق جامعه جهانی مهدوی است. فرهنگ ولایت مداری در سند تحول بنیادین ریشه در آموزه های قرآن کریم مبنی بر ولایت امیر المومنین علی (علیه السلام) و معصومان پس از ایشان تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد. بیانیه ارزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بلافاصله بعد از آموزه های قرآن کریم، ترویج و تحکیم



گزاره ارزشی ۲۰ نیز، وطن دوستی را را همراه با اهتمام به برپایی جامعه مهدوی آورده: «وطن دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی». مبانی نظری تحول بنیادین، بر پایایی تمدن نوین اسلامی و جامعه عدل جهانی را آینده روشن محتومی می‌داند که نظام تعلیم و تربیت عهده دار زمینه سازی و تربیت انسانها برای آن دولت کریمه می‌باشد: «دین اسلام، نوید بخش آینده ای روشن برای انسان - جامعه عدل جهانی - است که مستلزم تلاش جامعه صالح دینی جهت تأسیس تمدن نوین اسلامی براساس نظام معیار اسلامی است. دین اسلام در ادامه رسالت تاریخی پیامبران، طرح مستقلی برای زندگی بشر و ساختن آینده ای روشن و متعالی ارائه داده است. این طرح نه در گذشته اسلام، به طور کامل تحقق یافته است و نه بر الگوهای مادی مدرن تطبیق می‌کند؛ بلکه با تلاش مسلمانان در طول تاریخ به منصف ظهور می‌رسد و تحقق کامل آن را باید در آینده موعود (جامعه آرمانی جهانی، برپایه عدل مهدوی) انتظار کشید. قرآن خلافت زمین از سوی صالحان و امامت آنان را بر سراسر گیتی نوید می‌دهد و متون اسلامی تصویری از جهان را فراروی جامعه جهانی ترسیم می‌کنند که در آن، رفاه، امنیت، عدالت، آزادی، آرامش، صلح، معنویت، عقلانیت، علم و دیگر مظاهر سعادت مادی و معنوی انسان، یک جا و هم زمان قابل دست یابی است. جامعه صالح اسلامی، که چنین آینده ای را فراروی خویش می‌بیند و خود را به فرموده قرآن مسئول و متعهد به تغییر سرنوشت خویش می‌شناسد، با چشم دوختن به چنان مقصدی، رسالت تاریخی خود را تلاش برای ساختن مرحله ای از آن تمدن نورانی و باشکوه می‌داند و در این مسیر همه ظرفیت ها و تلاش های خود را به کار می‌گیرد» (مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۱۱۴).

در پایان یادآور می‌شود که با توجه به آنکه مأموریت اصلی نظام تعلیم و تربیت ایران اسلامی آماده کردن متریبان برای تحقق جامعه مهدوی، که آثار تربیتی و مادی آن تمام جهان را متحول می‌سازد، است، متولیان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ضمن ایمان و اعتقاد به همه اهداف و راهکار های سند تحول بنیادین، لازم است برای به روز ماندن شیوه های تعلیم و تربیت این مرز و بوم، با صاحب نظران و کارشناسان تعلیم و تربیت دنیا در ارتباط باشند و ضمن تبادل و انتقال مبانی اسلامی و ایده ها و تجربه های زیسته نظام تعلیم و تربیت بومی ایران به آنها، همواره نظریات جدید تربیتی جهانی را رصد نمایند.

بر این اساس یکی از راهکار های این هدف عملیاتی نیز به ایجاد ساز و کار های ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری، به ویژه ترویج روحیه انتظار دولت حضرت مهدی علیه السلام است: «ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری، تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار (زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی (عج)) با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت حوزه های علمیه و نقش اسوه ای معلمان و اصلاح روش ها». سند تحول بنیادین برای تقویت باور به فرهنگ انتظار، به کار گیری تمام ظرفیت های آموزشی و پژوهشی را ضروری می‌داند: «استفاده از ظرفیت برنامه های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت اردوها و فعالیت های برون مدرسه به ویژه مساجد و کانون های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش آموزان». (راهکار ۸/۲) یکی از نکات بسیار عالی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران این تفکر است که احیای تمدن عظیم اسلامی ایرانی، صرفاً تفرکی ملی گرایانه نیست بلکه در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدوی است: «تبیین دستاوردهای علمی و فنی تمدن اسلامی - ایرانی در برنامه های درسی و آموزشی و تقویت باور و روحیه مسئولیت پذیری دانش آموزان برای احیای مجدد این تمدن در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدوی».

آشنایی با نظام تربیت معلم کشور کانادا

دکتر حسین امیدی
معاون مدیر همکاریها و
ارتباطات علمی و بین المللی



نقش و اهمیت تربیت معلم

مختلف در زمینه ی تربیت معلمان متفاوت است ساختار و برنامه های مدون جهت تربیت معلمان مورد نیاز متفاوت است (سالبرگ، ۲۰۱۱).

تربیت معلم در کشور کانادا

بررسیها نشان می دهد که سه نوع تربیت معلم در کانادا وجود دارد که عبارتند از تربیت معلم برای تدریس که مناسب نظام تربیتی ایدئولوژیک است؛ تربیت معلم برای مدیریت یادگیری که برای هر دو سیستم تربیتی ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک مناسب است؛ و تربیت معلم برای رهایی بخشی که برای سیستمهای غیر ایدئولوژیک مناسب است. در این کشور دولت و وزارت آموزش و پرورش منابع مالی را تأمین میکنند و علاوه بر مجلس، دولت، شورای مدارس و شورای معلمان نیز مراجع ذی صلاح تدوین و تبیین و اجرای اهداف تربیت معلم هستند. این بدان معنی است که کانادا در تعیین اهداف، علاوه بر منابع دولتی، از شورای معلمان به عنوان مجموعه ای از متخصصان حوزه ی آموزش و پرورش که دارای تجربه ی فعالیت در مدارس هستند، نیز بهره میگیرد. در حقیقت، بعضی از اهداف تربیت معلم در کانادا در راستای تربیت معلمانی با تواناییهای گسترده برای پاسخگویی به تمامی احتیاجات مرتبط با مدارس پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی،

تجربیات چند دهه ی نظامهای آموزشی مختلف در جهان دولت ها را به مسیری سوق داد که از طریق بها دادن به تربیت معلم و غنی سازی دوره های متنوع آموزشی و نظام آموزشی آن کشور را رشد و توسعه دهند. تربیت معلم نقش حیاتی در توسعه ی نهادهای آموزش و پرورش هر کشور ایفا می کند؛ به عبارتی، تحقیقات نشان می دهد برنامه های تربیت معلم در بهبود و توسعه ی آموزش و پرورش کشورها نقش بسزایی دارد. در این بین آگاهی از تجارب مختلف کشورهای گوناگون در خصوص تربیت معلم، زمینه های روشنی را در بهره گیری از تجارب آنها به منظور رشد و توسعه ی آموزش و پرورش هر کشوری ترسیم خواهد کرد (جمیل و همکاران، ۲۰۱۱). بی شک معلمان از مهمترین ارکان نظام آموزشی هستند. بدون ایجاد تغییرات کیفی مناسب در معلمان نمی توان به هیچ نوع نو آوری در آموزش و پرورش دل بست. از اهداف اصلی راه اندازی و تاسیس تربیت معلم در سراسر جهان، ابتدا ایجاد تغییرات مثبت در شناخت و دیدگاه معلمان و پس از آن ارائه ی آموزشها و مهارتهای مورد نیاز معلمان است. پس از تأمین اهداف اصلی مورد اشاره، سیستم تربیت معلم بر اساس اسناد بالادستی ملی هر کشوری به تأمین نیازهای آموزشی مدارس آن کشور اقدام می نماید. با عنایت به اینکه یافته ها و تجارب دولتهای

روشهای تدریس، نظریه های یادگیری روانشناسی تربیتی، روشهای آموزش، زبان انگلیسی، فناوری نوین در آموزش، آموزش اخلاق، تاریخ و فرهنگ، ریاضیات، محیط زیست، علوم زیستی، تربیت بدنی، موسیقی و هنر نام برد.



تربیت معلمان دوره ی ابتدایی

الزامات اولیه ی تدریس در دوره ابتدایی کانادا بر خورداری از کارشناسی آموزشی است که یک دوره ی آموزشی سه تا چهارساله را شامل میشود. آموزگاران دوره ابتدایی ملزم به گذراندن دوره ی ۲ ساله آموزش عالی می باشند. این در حالی است که اغلب معلمان این دوره تحصیلی علاوه بر گذراندن دوره ۲ ساله کارشناسی در رشته های تحصیلی علمی و هنری، به فراگیری فنون آموزگاری در دوره های آموزشی ۱ ساله مبادرت می ورزند که منجر به اخذ دانشنامه ی کارشناسی آموزش می شود.

تربیت معلمان دوره ی متوسطه

اغلب معلمان دوره ی متوسطه ایالت بریتیش کلمبیا علاوه بر گذراندن دوره ی تحصیلی ۴ ساله، یک دوره ی یک ساله ی آموزشی ویژه را می گذرانند. به دیگر بیان، معلمان دوره آموزشی متوسطه پس از ۵ سال تحصیلی موفق به اخذ دانشنامه ی کارشناسی آموزشی می شوند. بیش از ۵۵ مرکز آموزش عالی در کانادا به تربیت معلم می پردازند که اولین نهاد تربیت معلم در کانادا در سال ۱۸۳۷ میلادی تاسیس شده است. از سال ۱۹۷۰ به بعد دانشگاه ها عهده دار تربیت معلمان در این کشور پهناور آمریکای شمالی شدند. در حال حاضر همانطور که پیشتر اشاره شد تربیت معلمان به دو گونه ی عمومی آموزش ابتدایی و اختصاصی آموزش متوسطه صورت می پذیرد. در حقیقت در

فنی و حرفه ای و بر روزرسانی مداوم دانش، مهارت و توانایی معلمان در حوزه ی آکادمیک و حرفه ای و توجه به روزآمد کردن دانش و کارآیی معلمان در تربیت معلم این کشور است (الهامیان، ص ۷). برخورداری از صلاحیتهای علمی و آموزشی موجب ارتقای درجات آموزشی و علمی معلمان میشود؛ در نتیجه، معلمانی که از تحصیلات بیشتری برخوردار باشند، از حقوق و دستمزد بیشتری بهره مند میشوند. این در حالی است که مطابق قوانین آموزشی کشور کانادا هر یک از معلمان با هر درجه ی علمی ملزم به گذراندن دوره ی آموزشی دوساله ی تربیت معلمان هستند. پس از اتمام دوره ی مذکور به افرادی که آن را گذرانده اند گواهینامه اعطا می شود. محور برنامه های پیش از خدمت معلمان دانش تعلیم و تربیت، همراه با تمرینات عملی و مبتنی بر روشهای تدریس نوین است. بدیهی است که توسعه ی حرفه ای معلمان در این کشور فرایندی تلقی می شود که از دوره ی پیش از خدمت شروع شده و تمام طول زندگی فرد را دربر می گیرد. این بدان معنا است که توسعه ی حرفه ای آنان به طور نظام مند، طراحی، حمایت، بودجه بندی و بررسی می شود. در کشور کانادا، توسعه ی صلاحیتهای حرفه ای معلمان جهت بر آوردن نیازهای آموزشی همه ی پایه های تحصیلی اصلی مهم است.

کلیه ی معلمان در دوره های آموزشی ابتدایی و متوسطه به دوشیوه موفق به دریافت گواهینامه جهت امر تدریس می شوند. اول اخذ مدرک کارشناسی آموزش و پرورش که ۴ و یا ۵ سال (در ایالت کبک ۳ سال) زمان می برد و روش دوم گذراندن دوره ی آموزشی ۱ یا ۲ ساله پس از اتمام دوره ی کارشناسی است. در هر دو روش گواهینامه ی پایان دوره ی آموزشی اعطاء می گردد. از میان مواد آموزشی لازم و دروس اصلی جهت تربیت معلمان در تمامی دوره ها مانند کارشناسی آموزش در کشور کانادا، می توان دروس مهارت های عمومی آموزش، مدیریت کلاس های آموزشی، تنظیم اهداف آموزشی، سنجش و ارزشیابی تحصیلی، بررسی هنرهای زبانی، روش شناسی های آموزشی، بررسی فرآیند یادگیری و رشد کودک، روانشناسی آموزشی، مطالعه ی علوم جامعه شناسی آموزشی، مطالعه ی تاریخ و فلسفه ی آموزش در کانادا، بررسی قوانین و خط مشی های آموزشی، بررسی مواد قانونی آموزشی، بررسی مقدماتی اصول آموزشی، بررسی مطالعات تکنولوژیکی در حوزه ی آموزش همچنین دروس الگوها و

کارورزی در مدارس شروع می شود که دانشجو معلمان چند هفته مشاهده می کنند و سپس تحت نظارت معلم کلاس، به تدریس می پردازند. پس از اتمام این دوره، دوباره ۲ هفته آموزش نظری دنبال می شود؛ به دنبال تعطیلی ۲ هفته ای، به مدت ۱۰ هفته در مدرسه دیگری به کارورزی می پردازند. نظارت بر فعالیت های دانشجو معلمان، توسط رابطان و بازرسان دانشکده معلمان انجام می گیرد که در صورت موفقیت آنان، این مؤسسه به آن ها، گواهی تدریس ارائه می کند.

• با توجه به رویکرد آموزش تلفیقی^۲ که در مدارس کانادا اجرا می شود، دانش آموزان با نیازهای ویژه، در همان مدارس عادی تحصیل می کنند و برای آن ها، مدارس خاص وجود ندارد. برنامه ی درسی در کانادا به صورت استانی می باشد و تحصیل از پیش دبستانی تا ۱۶ سالگی در اکثر استان ها اجباری است. ۹۱ درصد از جمعیت ۲۵ تا ۲۴ ساله کانادا دوره ی متوسطه را به اتمام رسانده اند.

همانگونه که قبلاً اشاره شد کانادا فدراسیونی متشکل از ده ایالت (استان) است که نظام آموزش و پرورش و ساختار این سیستم در ایالت های مختلف کشور پهناور کانادا یکسان نیست. نحوه ی رسیدگی و نظارت بر حوزه ی آموزش و پرورش در کشور کانادا از ایالتی به ایالتی دیگر متفاوت است. به بیانی دیگر این حوزه کاملاً در حیطه ی اختیارات استان ها قرار دارد از این روی هیچ نوع سیستم آموزش و پرورشی یکسان فدرالی در این کشور تعریف نشده است. آموزش عمومی (پایه) برای تمامی شهروندان کانادایی کاملاً آزاد و رایگان می باشد. نظام آموزشی هر ایالت ضمن داشتن شباهت هایی با نظام آموزشی دیگر ایالت ها در بیشتر زمینه ها، ویژگی های بومی و محلی خود را نیز در این سیستم تربیتی در نظر می گیرد. در سطح آموزش عالی، موسسات آموزشی به دو گروه کالج های ایالتی و دانشگاه ها دسته بندی می شوند. در این کشور تفاوت های زیادی میان سیستم آموزش و پرورش ایالت ها دیده می شود. جالب توجه است که در کانادا برخلاف کشورهای دیگر که پایه ی چهارم پایان دوره تحصیلی متوسطه به حساب می آید، براساس قوانین خاص هر ایالت، پایان دوره ی متوسطه در ایالات مختلف از پایه یازدهم تا سیزدهم می باشد.

کشور کانادا سه راه اصلی برای معلم شدن وجود دارد که بترتیب عبارتند از روش و راه متوالی؛ راه و روش همزمان؛ و روش کارشناس ارشد است. در روش اول متقاضی دارای دانشنامه ی کارشناسی است و حدوداً ۸ ماه تا ۲ سال دوره تربیت معلم را می گذراند. در راه و روش همزمان متقاضی درکنار دانشجو بودن معلمی را تجربه می کند. در روش سوم متقاضی یک دوره ی دو ساله ی مطالعاتی را پشت سر می گذارد. یکی از مهمترین شروط معلم شدن در کانادا دانستن هر دو زبان انگلیسی و فرانسه، داشتن گواهینامه ی دوره ی تخصصی ویژه، و تجربه است. ۶۵ تا ۹۵ درصد علاقه مندان به شغل معلمی در آزمون ویژه ای شرکت می کنند که از میان آنها تعدادی پذیرفته می شوند.

در ۱۰ استان و ۲ منطقه ی موجود در کشور کانادا، هر استان دارای وزارت آموزش و پرورش تا حدودی مستقل است. این نظام آموزشی دارای ویژگی هایی است که به برخی اشاره می شود.

• پذیرش دانشجو معلم از داوطلبان لیسانس و با توجه به نوع تخصص برای تدریس درس های مرتبط با رشته این پذیرش، انجام می شود. شرط معدل رعایت می شود و معدل داوطلبان باید بالای ۷۰٪ باشد؛ از نظر بهره ی هوشی، باید استعداد تحصیلی خوبی داشته باشند؛ تقریباً از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ داوطلب، ۷۰۰ نفر انتخاب می شوند.

• هر دانشگاهی، دارای دانشکده تعلیم و تربیت است که دوره های تربیت معلم در آن برگزار می شود و دانشگاه مستقلی برای تربیت معلم وجود ندارد.

• هر چند، هر دانشگاهی خود دوره های تربیت معلم را برگزار می کند، اما سیاست های کلان در دانشکده معلمان^۳ با همکاری وزیر آموزش و پرورش هر استان، اتخاذ می شود. بودجه ی این نهاد، توسط حق آبونمان معلمان عضو تأمین می شود که متولی ارزیابی و اعتبار صدور گواهینامه اعتبار برای دانشگاه های ارائه دهنده برنامه تربیت معلم نیز می باشد.

• نهادی دیگر به نام دفتر کیفیت آموزش و پاسخگویی^۴ از طریق آزمونی که هر ساله برگزار می کند قابلیت های دانش آموزان پایه های سوم، ششم و دهم را در درسهای سواد خواندن و نوشتن انگلیسی، علوم و ریاضیات ارزشیابی می کند.

• دوره ی تربیت معلم پیشتر یکساله بود اما از سال ۲۰۱۵ مدت تحصیل به دو سال افزایش پیدا کرد. در دوره ی یکساله، ابتدا ۵ هفته آموزش نظری ارائه می شود، سپس به مدت ۶ هفته

^۲ College of Teachers

^۳ Education Quality and Accountability Office (EQAO)

^۴ Inclusive Education



نام ایالت	پیش دبستان	ابتدایی	دبیرستان مقدماتی متوسطه	دبیرستان مدرسه متوسطه	دبیرستان دوره دوم	سال بدون احتساب پیش دبستانی
نیو فاندلند و البرادور ^۵	۱ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)
جزیره ی پرنس ادوارد ^۶	۱ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)
نوا اسکوشیا ^۷	۱ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)
نیوبرونزویک انگلیس ^۸	۱ سال	۵ سال	۳ سال	۴ سال	-	۱۲ (۵+۳+۴)
نیوبرونزویک فرانسه ^۹	۱ سال	۸ سال	-	-	۴ سال	۱۲ (۸+۴)
اکیت ^{۱۰}	۲ سال	۶ سال	-	-	۵ سال	۱۱ (۶+۵)
اکیت فنی و حرفه ای ^{۱۱}	۲ سال	۶ سال	-	-	۷ سال	۱۳ (۶+۷)
انتاریو ^{۱۲}	۲ سال	۸ سال	-	-	۴ سال	۱۲ (۸+۴)
مانیتوبا ^{۱۳}	۲ سال	۸ سال	-	-	۴ سال	۱۲ (۸+۴)
اساس کاجیوان ^{۱۴}	۳ سال	۵ سال	۴ سال	-	۳ سال	۱۲ (۵+۳+۳)
البرتا ^{۱۵}	۳ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)
بریتیش کلمبیا ^{۱۶}	۱ سال	۷ سال	-	-	۵ سال	۱۲ (۷+۵)
یوگون ^{۱۷}	۱ سال	۷ سال	-	-	۵ سال	۱۲ (۷+۵)
اقلیم شمال غربی کانادا ^{۱۸}	۱ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)
اتلانوو ^{۱۹}	۱ سال	۶ سال	۳ سال	۳ سال	-	۱۲ (۶+۳+۳)

روی واحدهای علمی و عملی آموزش و پرورش تمرکز یافته است و دانشجو با اطلاعاتی از قبیل روانشناسی آموزش، بحران‌های دوران بلوغ، روش‌های کنترل و مدیریت کلاس، تهیه تکلیف برای بچه‌ها و نظایر اینها آشنا می‌شود و معادل زمان خاصی را هم باید در کلاس‌های درس واقعی به مشاهده رفتار معلمان بپردازد.

برای نمونه در رابطه با تربیت معلم در استان اونتاریو که شامل ۳ دوره ی مختلف ابتدایی اول و ابتدایی دوم (کودکستان تا پایه ششم)، ابتدایی دوم و متوسطه اول (پایه چهارم تا دهم) و متوسطه اول و متوسطه دوم (پایه هفتم تا دوازدهم) است، علاقه مندان به انتخاب شغل معلمی می بایست در دو دوره ی پی در پی قبول شوند. دانشکده های علوم تربیتی وظیفه انتخاب و تربیت معلمان را برعهده دارند، این دانشکده ها ابتدا از افرادی که متقاضی معلمی هستند گواهینامه ی پورتفولیو^{۲۰} دریافت می کنند، سپس پورتفولیو رادرکمیته ای بررسی می کنند و امتیاز می دهند و سر انجام افراد انتخاب شده به دانشکده های علوم تربیتی معرفی می شوند و برای معلمی تربیت می شوند. لازم به ذکر است که در این استان کالج معلمان انتاریو^{۲۱} به متقاضیان تدریس مجوز، چه کسانی که مجوز شغلی استان‌های دیگر دارند و چه افراد دارای سابقه شغلی در خارج از کانادا مجوز اعطاء می کند. عموماً هر کسی که مایل است درانتاریو معلم شود باید پس از پایان دوران دبیرستان در یک برنامه ترکیبی دو مرحله‌ای درکالج‌ها یا دانشگاه های کانادا تحصیلات خود را به پایان برساند و آنگاه برای دریافت مجوز و عضویت در کالج معلمان اقدام نماید. دوره یک ساله یا دو ساله تربیت معلم که باید حتماً به تایید کالج معلمان استان رسیده باشد در واقع دوره‌ای است که بر

منابع و مأخذ
الهامیان، نگار. (۱۳۹۷) مقایسه نظامهای تربیت معلم در کشورهای فنلاند، مالتی، کانادا و ایران. راهبردهای نوین تربیت معلمان. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=۹۳۱۱۳>
سالبرگ، پامی. (۲۰۱۱) درسهای فنلاندی، جهان از دگرگونی آموزشی فنلاند چه میتوان یاد گرفت؟ ترجمه علیرضا مقدم و طیبیه سهرابی. چاپ اول. تهران: مرآت.

References

- Jamil, H.B., Razak, N.A., Raju, R., & Mohamed, A.R. (۲۰۱۱). Teacher Professional Development in Malaysia: Issues and Challenges
Web resources
Council of Ministers of Education, Canada: <http://www.c-mec.ca/> Accessed On: ۲۸/۰۵/۲۰۲۰
Links to departments and ministries responsible for education in Canada: <http://www.cmec.ca/educmin.en.stm> Accessed On: ۰۱/۰۶/۲۰۲۰
Canadian Education on the Web: <http://www.oise.utoronto.ca/canadweb/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
Education in Canada: <http://www.educationcanada.cmec.ca/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
The International Bureau of Education of UNESCO: <http://www.ibe.unesco.org/links.htm> Accessed On: ۱۹/۰۶/۲۰۲۰
<http://faalnazari۹۴.blogfa.com/post/۲/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
<http://sedayemoallem.ir/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
<https://iciservicesco.com/teachers.html/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
<http://elm۲.ir/> Accessed On: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰
<http://ayaronline.ir/۱۳۹۴/۰۲/۱۲۲۷۲۰.html> Accessed on: ۲۱/۰۶/۲۰۲۰

۵ New Foundland&Labrador
۶ Prince Edward Island
۷ Nova Scotia
۸ New Brunswick-English
۹ New Brunswick-French
۱۰ Quebec-General
۱۱ Quebec-Vocational
۱۲ Ontario
۱۳ Manitoba
۱۴ Saskatchewan
۱۵ Alberta
۱۶ British Columbia
۱۷ Yukon
۱۸ Northwest Territories
۱۹ Nunavut
۲۰ مجوزنامه ای از قابلیت ها و کارهای خلاصه فردی به منظور نشان دادن توانایی فردی برای کار معلم
۲۱ Ontario College of Teachers



اهمیت و ضرورت دیپلماسی آموزشی

دکتر غلامرضا کریمی

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی،
مشاور و دستیار اجرایی وزیر آموزش و پرورش

در حالی که امروزه ظرفیت دیپلماسی در تمام اشکال آن به طرز مؤثری کار برده می‌شود، کشور ما هنوز بصورت جدی به این موضوع نپرداخته است. البته با لحاظ زیرساختی هم بستر مورد نیاز برای این کار فراهم نشده است. اگرچه در ساختار جدید وزارت امور خارجه، توجه بیشتری به دیپلماسی اقتصادی شده ولی هنوز ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی، علمی و آموزشی کشور مورد غفلت قرار گرفته و ساختار لازم برای اثرگذاری بیشتر آن در عرصه بین‌المللی فراهم نشده است. در داخل نیز ضروری است دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی مختلف در فرآیند بازسازی و تقویت ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی جامعه فعال شوند تا روند آگاه‌سازی عمومی در قبال اشکال مختلف دیپلماسی تقویت شود. اگرچه ایجاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را نیز می‌توان نوعی نهادسازی در عرصه دیپلماسی فرهنگی دانست، اما این به هیچ روی نشان دهنده، توجه لازم به دیپلماسی در عرصه‌های علمی، فناوری و آموزشی نیست. در واقع، متناسب با جایگاه نظام آموزشی جمهوری اسلامی که چهار دهه از عمر

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰، اهمیت عوامل فرهنگی در روابط بین‌الملل و نقش دیپلماسی عمومی و به تبع آن دیپلماسی فرهنگی و آموزشی در محیط بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. اساساً کشوری می‌تواند در تعاملات بین‌المللی تأثیرگذارتر باشد که توان به‌کارگیری تمامی اشکال دیپلماسی را در عرصه بین‌المللی داشته باشد. کشور ما در حال حاضر نیاز جدی به بازسازی ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و آموزشی دارد. با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب و به منظور بهره‌برداری در دهه‌های آتی، باید رویکرد تازه‌ای از موضوعات فرهنگی و آموزشی را در اولویت برنامه‌های بین‌المللی کشور قرار دهیم. قرارگرفتن دانشگاه‌ها در تراز بین‌المللی و تعهد جدی مدیران بویژه اعضای هیأت رئیسه و هیأت علمی دانشگاه نسبت به موضوع بین‌المللی شدن و همچنین گسترش ارتباطات و تعاملات بین‌المللی آموزش و پرورش و آموزش عالی با کشورها و مجامع بین‌المللی از پیش نیازهای اولیه گسترش دیپلماسی آموزشی کشور می‌باشد.

آن می‌گذرد و رویکردهای ارزشی و ایدئولوژیک بالایی داشته، باید تأثیرگذاری فرهنگی و آموزشی کشور در محیط منطقه ای و بین المللی بسیار بیشتر باشد. واقعیت این است که زیرساخت‌های لازم، برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و آموزشی ایجاد نشده و وزارتخانه‌ها و نهادهای ذیربط کشور هم به موضوع بین المللی شدن آموزش، علم و فناوری توجه شایسته‌ای نکرده اند. از این رو، موضوع فرهنگ و آموزش نتوانسته جایگاه خودش را در عرصه سیاسی و بین‌المللی پیدا کند. حال، مسأله مهم ما این است که چرا بعد از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نتوانسته‌ایم بستر سازی لازم را برای تأثیرگذاری بر هنجارها و روندهای بین‌المللی داشته باشیم؟ بخشی هم به خاطر این است که ظرفیت‌سازی و تربیت نیروی انسانی متناسب با این نیاز را درست انجام ندادیم و اساساً از رصد تحولات و روندهای جاری بین المللی در عرصه فرهنگ و آموزش غافل ماندیم و لذا امروز با گذشت چهار دهه هنوز نمی‌توانیم جریان‌سازی‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی و آموزشی را شکل دهیم.



اگر دیپلماسی را فن و هنر تعامل با جهان در نظر بگیریم. وزارت آموزش و پرورش در جهت تقویت دیپلماسی آموزشی، عرصه‌ها و تجلیات مختلفی نظیر: تقویت تعاملات بین المللی دو دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی را در کنار گسترش ارتباطات مرکز امور بین الملل و مدارس ایرانی در خارج از کشور را دارا می باشد که عمده تعاملات بین المللی این وزارتخانه را می توان در محورهای ذیل دسته بندی نمود:

بین المللی شدن دانشگاهها:

در جهان امروز شاهد مشکلات و دغدغه های فراوانی از جمله: مخاطرات زیست محیطی، تغییر اقلیم، مدیریت بحران ها، بیماری‌های صعب‌العلاج، تروریسم و غیره مواجه هستیم که به جز با همکاری‌های چندجانبه اساتید و پژوهشگران مطرح از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی از سراسر دنیا، قابل رفع نمی‌باشد. بنابراین برای بهره گیری

از ظرفیت های یکدیگر، بین المللی شدن دانشگاهها یک ضرورت اجتناب ناپذیر است وگرنه در چند سال آینده دانشگاههای فاقد ظرفیت بین المللی از گردونه رقابت و اثربخشی در سطح جامعه داخلی و بین المللی خارج خواهند شد. خوشبختانه در طول چند سال گذشته اقدامات خوبی در جهت توسعه ارتباطات بین المللی دانشگاهها صورت گرفته است. بطوریکه پس از توافق برجام، اولین گام قابل اجرا که مهمترین، مستعدترین و نسبتاً بی طرفانه‌ترین حوزه در گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا است و بسیار نیز مورد توجه آن اتحادیه قرار داشت، اجرای دیپلماسی علمی و دانشگاهی بین طرفین بود.

این مورد در پی سفر نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی (خانم فدریکا موگرینی) و نمایندگان بخش تحقیقات و نوآوری کمیسیون اتحادیه اروپا در اوایل سال ۱۳۹۵ به ایران، مطرح شد. در این سفر، موضوع گسترش ارتباطات علمی، تحقیقاتی بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران و کشورهای اروپایی مطرح و مورد تأکید قرار گرفت. در راستای گسترش دیپلماسی و تسهیل امور، کارگروه علمی مشترک بین ایران و اتحادیه اروپا شکل گرفت. پس از آن بطور مداوم هیات‌های عالی‌رتبه دانشگاهی به همراه نمایندگان وزارتخانه‌ها از کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا و فرانسه به ایران سفر کردند و نمایندگان دانشگاهی از ایران نیز به کشورهای اروپایی اعزام شدند. بدین‌صورت، زیرساخت لازم برای ارتباطات مستمر دانشگاهی در قالب انجام پروژه‌های مشترک تحقیقاتی و تبادل اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی فراهم گردید.

در حال حاضر، با وجود مشکلات و چالشهایی که در عرصه مبادلات سیاسی و اقتصادی در روابط ایران و اتحادیه اروپا وجود دارد، اما در زمینه علمی و تحقیقاتی، همکاری نسبتاً قابل قبولی بین طرفهای ایرانی و اتحادیه اروپا شکل گرفته و با تلاش‌های اساتید و پژوهشگران ایرانی، زمینه برای همکاری بیشتر و انجام پروژه‌های مشترک در موضوعات پژوهشی نوین دنیا، فراهم شده است. شایان ذکر است دور جدید برنامه‌های حمایتی اتحادیه اروپا در بازه زمانی سالهای ۲۰۲۱ لغایت ۲۰۲۷ با مبلغ حمایتی حدود ۱۰۰ میلیارد یورو انجام می‌شود، امید است سهم پژوهشگران و دانشمندان کشورمان، بطور قابل ملاحظه‌ای در این برنامه افزایش یابد.

با در نظر گرفتن این نکته که دیپلماسی نقش مهمی را در سیاست ایفا می‌کند، اما علم و فناوری به‌عنوان یک عنصر مهم، نه تنها در عرصه

در خدمت دیپلماسی عمومی کشور قرار گیرد.

آموزش دانش آموزان پناهنده:

ایران در صدر کشورهای جهان در پوشش تحصیلی پناهندگان در نظام آموزشی رسمی است. در حالی که در دیگر کشورهای جهان، پناهندگان عمدتاً در اردوگاه‌ها خدمات آموزشی دریافت می‌کنند، ۵۰۰ دانش‌آموزان پناهنده و اتباع خارجی در ایران در کنار دانش‌آموزان ایرانی خدمات آموزشی دریافت می‌کنند. در واقع، جمهوری اسلامی تنها کشور دنیا است که همه دانش‌آموزان آواره و پناهنده را در کنار دانش-آموزان خود آموزش می‌دهد. بر اساس دستور مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳، نه تنها اتباع خارجی قانونی و ثبت‌نام شده در مدارس تحت پوشش قرار می‌گیرند، بلکه اتباع غیرمجاز را که توسط وزارت کشور و کمیساریای عالی پناهندگان هم ثبت نشده‌اند در مدارس ثبت‌نام و تحت آموزش قرار می‌گیرند که این اقدامات، در عرصه بین‌المللی بی‌نظیر و به خاطر نیت انساندوستانه نظام جمهوری اسلامی است. اعتقاد دینی ما این است که هر کس به سن لازم-التعلیمی می‌رسد حق ورود به مدرسه دارد و نباید به دلیل اینکه پدر و مادر او آواره یا پناهنده‌اند از درس محروم شود. بر اساس این ایده، هر کودک حاضر در ایران فارغ از اینکه مدارک هویتی و اقامتی معتبر داشته یا نداشته باشد می‌تواند اول مهر هر سال به نزدیکترین مدرسه محل اقامتش مراجعه و تحت آموزش رسمی و رایگان قرار گیرد.



افزایش تعاملات با سازمانهای بین المللی:

وزارت آموزش و پرورش با دهها سازمان بین المللی و منطقه ای نظیر آی‌سی‌سی‌کو، یونسکو، اکو، کمیساریای عالی پناهندگان، یونیسف و غیره در تعامل است که هریک بستر وسیعی را برای هنجارسازی جهانی و اجرای فعالیت های بین المللی فراهم می کنند. بنابراین ضروری است بخش های مختلف وزارتخانه بویژه دو دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی می بایست استفاده لازم

دستاوردهای علمی، بلکه در زمینه صلح و بهبود روابط بین کشورهای به حساب می‌آید، بطوریکه همکاری‌های علمی و بین المللی می‌تواند به عنوان عامل مهمی در جهت بهبود روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود. در جهان امروز، علم و دانش یک موضوع بین المللی و مشترک بین تمام جوامع است و باید شرایط مناسبی برای همکاری پژوهشگران در هر نقطه‌ای از جهان و بدون در نظر گرفتن رقابت و چالشهای سیاسی در راستای تولید علم ایجاد گردد تا بهترین امکانات، تفکرات و ایده‌ها باهم جمع شده و در راستای رفع موانع و مشکلات بشری گام بردارند.

مدارس خارج از کشور:

کشورهای مختلف مدارس متعددی در خارج از کشورشان دارند. کشورهای فرانسه، آلمان، آمریکا، انگلستان، هند و پاکستان هر کدام بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار دانش‌آموز در خارج از کشور دارند. آنها با تأسیس مدارس خاص به ترویج فرهنگ خودشان اقدام میکنند و با گسترش زبان کشورشان در صدد تأثیرگذاری بر ملتهای دیگرند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران حاوی هنجارها و ارزشهای ویژه‌ای است و هوادارانی در خارج از کشور دارد و در عین حال اتباع گسترده‌ای ایرانی هم در خارج از کشور هستند؛ بنا به فرموده مقام معظم رهبری، مدارس ایرانی در خارج از کشور حتی اگر پرهزینه و نیازمند سرمایه‌گذاری بالا باشد، باید گسترش پیدا کند. در این راستا، حجم قابل توجه نیروهای دولتی در خارج از کشور که کارگزاران دیپلماسی آموزشی و فرهنگی کشور تلقی می‌شوند، ظرفیت و پتانسیلی برای ارتقاء دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به وجود آورده که متأسفانه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همچنین مسائل و مشکلاتی پیش روی این مدارس است که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نسبت به این موضوع مهم غفلت صورت گرفته است.

از ابتدا، مدارس خارج از کشور، کانون‌های فرهنگی و پرورشی برای تقویت فرهنگ ایران و هویت ایرانی در خارج از کشور بوده‌اند. در این مدارس، بحث گسترش خط و زبان فارسی اولویت دارد و طبیعی است که فرهنگ و هویت ایرانی را در وجود دانش‌آموزان نهادینه می‌کند. حتی غیرایرانیان نیز نسبت به این فرهنگ و هویت علاقه پیدا می‌کنند و این ظرفیت و پتانسیلی است که باید روز به روز گسترش پیدا کند و هر روز بیشتر از گذشته



و اجرای راهبردهای مختلفی از جمله استراتژی فرهنگی جهان اسلام، استراتژی ارتقاء آموزش در کشورهای اسلامی، استراتژی توسعه علوم و فناوری در کشورهای اسلامی، راهبرد تکافل فرهنگی اسلامی، استراتژی نحوه اجرای فرهنگ اسلامی در غرب، استراتژی استفاده از توانایی مسلمانان در غرب، استراتژی تقریب مذاهب میان مسلمانان، استراتژی مدیریت منابع آب در کشورهای اسلامی و استراتژی اخلاق زیستی در جهان اسلام نموده است. علاوه بر این، نهادهای مختلفی مانند فدراسیون دانشگاه‌های جهان اسلام، نهاد اسلامی اخلاقی علوم و فناوری، و مرکز ارتقاء سطح تحقیقات علوم آیسسکو زیر نظر سازمان آیسسکو فعالیت می‌کنند.

تقریباً هر سه سال یک بار اجلاس وزرای آموزش و پرورش، اجلاس وزرای امور کودک، اجلاس وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی، اجلاس وزرای علوم و فناوری کشورهای اسلامی تشکیل می‌شود و مقاماتی از ایران در این کنفرانس‌ها شرکت می‌کنند و ضمن ارائه گزارش ملی کشور، در خصوص اسناد و فعالیت‌هایی که به نوعی وضعیت تعاملی بین کشورهای اسلامی را روشن می‌کند گفتگو می‌کنند و بستر اجرای برخی پروژه‌های مشترک را فراهم می‌کنند.

از پیش‌نیازهای حضور و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی، وجود افراد مسلط به زبان بین‌المللی و در عین حال آشنایی با روندها و هنجارهای بین‌المللی است که در طول چهار دهه گذشته اهتمام جدی در تربیت آنها صورت نگرفته است. از این رو، تعداد ایرانیان مشغول به

را از این بسترها، برای افزایش ارتباطات بین‌المللی ببرند. خوشبختانه با استقرار کمیسیون ملی آیسسکو در وزارت آموزش و پرورش، زمینه بهره‌گیری از این سازمان برای گسترش ارتباطات با کشورهای اسلامی بیشتر فراهم است. در واقع ایجاد کمیسیون ملی آیسسکو و تعامل و ارتباط با کشورهای اسلامی در قالب سازمان تخصصی بین‌المللی آیسسکو در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ، از دیگر فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش در عرصه دیپلماسی آموزشی است. در حال حاضر، ۵۴ کشور در این سازمان عضویت دارند و هدف از تأسیس این سازمان پیگیری ایده امت واحد اسلامی و تقویت و تحکیم همکاری و تفاهم میان کشورها و ملل مسلمان در زمینه‌های علمی، فرهنگی و آموزشی است که برای تحقق این اهداف، سازمان آیسسکو در این زمینه‌ها اقدام می‌کند: گسترش فرهنگ اسلامی و زبان قرآن در سطح جهان؛ حمایت از دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی متخصص در زمینه مطالعات قرآنی، زبان عربی و فرهنگ اسلامی؛ اصلاح برنامه‌های آموزشی، کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس آنها به منظور تحقق رشد فرهنگی، تقویت ویژگی‌های اسلامی به تمامی ابعاد تمدن، هنر و فرهنگ؛ برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها؛ تشویق تأسیس نهادهای آموزشی و علمی با همکاری دولت‌ها، سازمان همکاری اسلامی، مجامع و سازمان‌های فعال در زمینه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات. این سازمان به منظور برنامه‌ریزی استراتژیک برای تقویت آموزش، فرهنگ و علوم در جهان اسلام مبادرت به طراحی

اینکه در عرصه‌های سیاسی و استراتژیک حضور چشمگیری دارد، در عرصه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی بین‌المللی حضورش کم‌رنگ است و تأثیری در رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی ندارد. متأسفانه در چند سال اخیر، به دلیل شکل‌گیری یک جو منفی علیه سازمان‌های بین‌المللی، گزارش اطلاعات و شاخص‌های پیشرفت آموزشی کشورمان به مجامع بین‌المللی منعکس نشده و بعضاً گزارش‌هایی در این سازمان‌ها منتشر شده که حتی جایگاه ایران را در ذیل کشورهای ضعیف جهان نشان می‌دهد که خود موجب تضعیف موقعیت کشور در مجامع بین‌المللی می‌شود.



البته مبنای فعالیت‌ها و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای در وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بر اساس این سند وزارت آموزش و پرورش موظف است مشارکتی فعال در تعاملات بین‌المللی داشته باشد، تحولات جدید بین‌المللی را در عرصه آموزش جهانی رصد کند و تجربیات موفق ایران را در محیط‌های بین‌المللی ارائه نماید. بر اساس راهکار شماره ۱۱-۱۱ سند تحول بنیادین که بر «مشارکت فعال در تعاملات بین‌المللی با اولویت جهان اسلام و انعکاس نظریات و تجربیات موفق داخلی در محافل و مراکز علمی جهانی» تأکید دارد و یا راهکار ۴-۱۹ که بر «ارتقاء جایگاه ایران در ارزیابی‌های کیفیت جهانی در چارچوب معیارهای اسلامی و معرفی الگوی تعلیم و تربیت اسلامی به جهان» پافشاری می‌کند وزارت آموزش و پرورش و بویژه دانشگاه فرهنگیان موظف هستند با سازمان‌های بین‌المللی از جمله آیسسکو، یونسکو و غیره و نیز کشورها تعامل داشته باشند تا بتوانند تجربیات موفق ۴۰ ساله نظام جمهوری اسلامی را به دنیا ارائه و از تجربیات برتر و موفق کشورهای دیگر در مدارس و دانشگاه‌ها استفاده کنند.

کار در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی بسیار انگشت‌شمار است و نیروهای توانمند و باتجربه جهت حضور در کنفرانس‌های و نشست‌های بین‌المللی که بتوانند بر دستورکار و روند اصلاح اسناد و رویه‌های جاری کنفرانس‌ها تأثیر بگذارند محدود هستند. طبیعی است که امکان بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود سازمان‌های بین‌المللی فراهم نمی‌شود. این یک واقعیت است که مرتب رویه‌ها، قواعد و چارچوب‌های جدیدی در مجامع بین‌المللی در حال شکل‌گیری است که اگر حضور مؤثری در آن روندها و فرایندها نداشته باشیم، آن روندها، بدون مشارکت ما شکل خواهند گرفت. پس بهتر آنکه بتوانیم نیروهای حرفه‌ای تربیت کنیم تا در مجامع بین‌المللی مؤثر باشند. بخشی از ظرفیت‌ها بستگی به میزان مشارکت و مداخله نهادها و سازمان‌های علمی، آموزشی و فرهنگی کشور در فعالیت‌های آیسسکو دارد؛ به طوری که هر میزان وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها تعامل و علاقمندی بیشتری داشته باشند، امکان اجرای پروژه‌های بیشتری فراهم می‌شود. بنابراین، وظیفه همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای آموزشی، فرهنگی و علمی است که تعامل بیشتری با کمیسیون ملی آیسسکو داشته باشند. کمیسیون هم متقابلاً با تشکیل کمیته‌های علم و فناوری، فرهنگی، آموزشی و عضویت نهادهای ذینفع، می‌بایست تلاش کند آنها را مشارکت بدهد تا حجم فعالیت‌ها با آیسسکو گسترش یابد. البته، این مشکل عمومی در دولت است که اکثر وزارتخانه‌ها و نهادها رویکردهای بین‌المللی ضعیفی دارند. به همین دلیل، جمهوری اسلامی با



اهمیت و چرایی

دکتر حسین امیدی
معاون مدیر همکاریها و
ارتباطات علمی و بین المللی



۲۱ سپتامبر / روز جهانی صلح

در تقویم میلادی، روز ۲۱ سپتامبر برابر با ۲۱ شهریور، روز جهانی صلح نامگذاری شده است. بدون تردید جهان امروز ما با جنگ و خشونت آلوده شده است که فجایعی مانند نسل کشی، ترور و تروریسم، فقر و مهاجرت، بی‌خانمانی و آوارگی، نقض مکرر و مستمر حقوق بشر را پدید آورده است. در مورد آثار جنگ و خشونت همین بس که طی دو جنگ جهانی بیش از ۷۰ میلیون انسان قربانی و میلیون‌ها نفر آواره شدند.

در پنجاه و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۱ سومین سه‌شنبه هر سال میلادی را با هدف ترویج صلح در میان ملت‌های مختلف جهان به عنوان روز جهانی صلح نامگذاری کرد. اما در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۱۱ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفته شد تا این روز به ۲۱ سپتامبر تغییر کند. در این روز که به نام روز جهانی آتش بس هم نامیده می‌شود، سازمان ملل از تمامی دولت‌ها و رهبران سیاسی جهان می‌خواهد که دست از جنگ و خشونت طلبی بکشند، به مردم بی‌گناهی که در اثر این جنگ طلبی کشته و آواره می‌شوند فکر کنند و اجازه دهند تا کمک‌های مردمی به آن‌ها برسد. هر ساله در روز

گرامی داشت روزهای بین المللی فرصتی را برای آموزش عموم مردم درباره موضوعات مورد توجه، و بسیج منابع و اراده‌های سیاسی جهت رسیدگی به مشکلات جهانی و جشن گرفتن و تقویت دستاوردهای بشریت ایجاد می‌نماید. سابقه وجود روزهای بین المللی به پیش از تأسیس سازمان ملل متحد بر می‌گردد. سازمان ملل متحد آنها را به عنوان ابزاری قدرتمند برای حمایت و تقویت تعاملات بین المللی پذیرفته است. هر روز بین المللی به بسیاری از مخاطبان و گروه‌های مورد توجه این فرصت را می‌دهد تا فعالیت‌های مربوط به موضوع روز را سازماندهی کنند. سازمانها و دفاتر سازمان ملل متحد و مهمتر از همه، دولت‌ها، جوامع مدنی، بخشهای دولتی و خصوصی، مدارس و موسسات آموزشی، دانشگاه‌ها و به طور کلی شهروندان، یک روز بین المللی را به عنوان یک سکوی پرش برای اقدامات آگاهی بخش در نظر می‌گیرند.

رویدادهای بسیاری در سطح بین المللی وجود دارند که فرصت تعامل برای مردمان جهان را ایجاد می‌کنند. به بیانی دیگر، از دیگر فرصت‌های موجود برای توسعه تعاملات بین المللی که شاید از برخی جهات مغفول مانده است، روزهای جهانی هستند. در این نوشتار قصد داریم با برخی از روزهای جهانی در شش ماه دوم سال که می‌توانند فرصت ارزشمندی جهت تعامل جهانی برای دانشگاه فرهنگیان فراهم آورند، آشنا شویم.

سراسر جهان وجود دارد و این روز جدید و رسمی به برابری و دسترسی بیشتر بیش از ۴۰۰ میلیون ناشنوا و کم شنوا در سراسر جهان به این زبان کمک خواهد کرد. همان طور که افراد شنوا به زبان گفتاری وابسته‌اند، زندگی، تجربیات و موفقیت‌های افراد ناشنوا نیز به گونه‌ای جدایی ناپذیر به زبان اشاره مرتبط است. سازمان ملل متحد و فدراسیون جهانی ناشنوایان با انتشار اعلامیه جدید مبنی بر گرامی داشت روز جهانی زبان اشاره در ۲۳ سپتامبر هر سال، اقدامی جدی کرده و میلیون‌ها نفر ناشنوا در سراسر جهان برای تایید و گرامی داشت اولین روز زبان بین المللی اشاره در سرویس ارتباطی ناشنوایان ثبت نام به عمل آورده‌اند.

منابع:

<https://www.isna.ir/news>

<https://www.un.org/en/observances/-sign-languages-day>



۲۸ سپتامبر / روز جهانی دسترسی به اطلاعات

کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۵ با تصویب قطعنامه ۳۸۰/۷۰، روز ۲۸ سپتامبر را به عنوان روز بین‌المللی دسترسی همگانی به اطلاعات تعیین کرده است. در این قطعنامه از کشورهای عضو، نهادهای وابسته به سازمان ملل و سایر سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین از جامعه مدنی به ویژه سازمانهای غیردولتی و اشخاص حقیقی خواسته شده بود که این روز را گرامی داشته و مراسمی بدین مناسبت برگزار کنند.

منبع:

<https://fa.irunesco.org>

جهانی صلح زنگ صلح در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به صدا در می‌آید. این زنگ هدیه‌ای از سوی انجمن سازمان ملل ژاپن جهت یادآوری هزینه‌های جنگ است. جالب است بدانید ایده‌ی روز جهانی صلح، به قرن نوزدهم باز می‌گردد. جایی که مردم چندین کشور اروپایی برای برپایی صلح و شناساندن آن به مردم جهان نمایش‌ها و مراسمی را بر پا کردند. همچنین کلیسای کاتولیک بریتانیا در قرن نوزدهم درخواست کرد تا آخرین یکشنبه پیش از کریسمس را به صلح اختصاص دهند. امروز هم کلیسای کاتولیک اول ژانویه را به عنوان روز صلح جشن می‌گیرد.

صلح از مسائل عمیق اسلام بوده و تمام مقررات اسلامی براساس آن پی ریزی شده است. صلح روح اسلام است زیرا که واژه اسلام از سلم به معنی سلامت و امنیت گرفته شده است. در اسلام ارتباط سیاسی کشور اسلامی با سایر کشورها در حالت اولیه صلح و هم زیستی مسالمت آمیز است و جنگ حالتی استثنایی است که در شرایطی رخ میدهد که کشور اسلامی گریزی از آن ندارد. اسلام در تبیین نحوه تعامل انسانها، صلح را محور قرار داده و ضمن دعوت پیروان خود به سلم می‌کوشد راه کارهای موثر در بسط صلح ارایه نماید. اسلام پیروان خود را به یک زندگی مسالمت آمیز دعوت میکند، و اگر فرمانی برای آمادگی و جهاد داده، هدف آن دفاع از دین بوده است.

منابع:

<https://baratnews.ir>

<https://civilica.com/doc/۱۰۴۶۵۰۳>



۲۳ سپتامبر / روز جهانی زبان اشاره

پس از اعلامیه سازمان ملل متحد (UN)، فدراسیون جهانی ناشنوایان (WFD) از این پس هر سال در تاریخ ۲۳ سپتامبر به عنوان بخشی از هفته بین المللی ناشنوایان، روز جهانی زبان اشاره را گرامی می‌دارد. امسال گرامی‌داشت روز جهانی زبان اشاره با شعار "زبان اشاره، زبان همه است"، نقطه عطفی برای جامعه جهانی ناشنوایان بوده و

۲۰۲۰، "معلمان: پیشرو در بحران، تجسم دوباره آینده" است. هدف از نام گذاری روزی به عنوان روز معلم، قدردانی از آنهاست. چرا که با وجود افراد مختلف در سیستم آموزشی، این معلم است که همیشه به عنوان آموزگار دانش آموزان شناخته می‌شود و اوست که در تربیت و شکل گیری فرزندان جامعه نقش مهمی دارد. از سوی دیگر مشکلات فراوان معلمان در سراسر دنیا و از جمله ایران وجود چنین روزی را تأیید می‌کند چرا که شاید اینگونه توجه بیشتری به سمت آن‌ها برای رفع مشکلاتشان معطوف شود.

منابع:

<https://www.imna.ir/news/۴۴۷۸۹۶>

<https://www.bartarinha.ir/->

[/fa/news/۱۹۷۹۵۸](https://fa/news/۱۹۷۹۵۸)



۱۰ اکتبر / روز جهانی بهداشت روان

روز جهانی بهداشت روانی (برابر با ۱۰ اکتبر) یک روز جهانی برای آموزش جهانی بهداشت روان، آگاهی و دفاع از بدنامی اجتماعی است. این روز نخستین بار در سال ۱۹۹۲ به ابتکار فدراسیون جهانی بهداشت روان و سازمان جهانی بهداشت روان با اعضا بیش از ۱۵۰ کشور جهان جشن گرفته شد. این روز، هر ساله در ماه اکتبر، هزاران نفر از هواداران برای جلب توجه به بیماری‌های روانی و تأثیرات مهم آن بر زندگی مردم در سراسر جهان، به جشن این برنامه سالانه آگاهی می‌پردازند. در بعضی از کشورها این روز بخشی از یک هفته آگاهی است، مانند هفته سلامت روان در استرالیا.

منابع:

<https://www.who.int/campaigns/world-mental-health-day/world-mental-health-day-2020>

[/https://fa.wikipedia.org/wiki](https://fa.wikipedia.org/wiki)

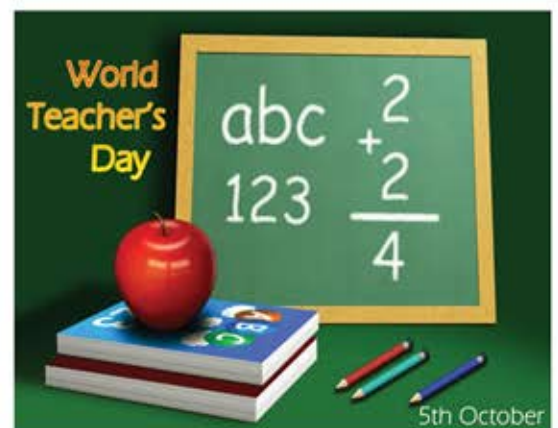


۳۰ سپتامبر / روز جهانی ترجمه

این روز به افتخار سنت جروم که انجیل را ترجمه کرد و محافظ مترجمین به حساب می‌آید نامگذاری شده است. روز جهانی ترجمه از ۱۹۵۳ توسط فدراسیون بین‌المللی ترجمه جشن گرفته می‌شود. از ۱۹۹۱ فدراسیون آن را به عنوان یک روز بین المللی پیشنهاد کرد تا همبستگی جامعه مترجمین جهان را نشان دهد. به رسمیت شناخته شدن این روز برای تأکید بر اهمیت حرفه ی مترجمی بعنوان شغلی که یکی از ابزارهای جهانی شدن است فرصتی ایجاد می‌کند.

منبع:

<https://fa.wikipedia.org/wiki>



۵ اکتبر / روز جهانی معلم

۵ اکتبر روز جهانی معلم است. این روز در ایران برابر با ۱۳ مهر است. سازمان جهانی کار و یونسکو در سال ۱۹۶۶ توصیه نامه‌ای را در مورد وضعیت معلمان تصویب کردند. این توصیه معیارهایی را در مورد حقوق و مسئولیت‌های معلمان و استانداردهایی را برای آماده سازی اولیه و آموزش بیشتر، استخدام، شرایط آموزش و یادگیری تعیین می‌کند. شعار روز جهانی معلم

۱۰ نوامبر / روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه

از سال ۲۰۰۱ دهم نوامبر (۲۰ آبان) به عنوان روز جهانی «علم در خدمت صلح و توسعه» نامگذاری شده است. از مهمترین اهداف یونسکو از نام گذاری روز علم، بهره مندی آحاد جامعه از ثمرات علم، فناوری و نوآوری، ایجاد بستر و فضای مناسب گفتمان پیرامون تاثیر علم، فناوری و نوآوری بر زندگی روزمره مردم، صلح و توسعه و معرفی برخی موقعیتهای نو بوده که موجب ارتقا کیفیت عمومی زندگی می شود. روز جهانی «علم در خدمت صلح و توسعه» با هدف بهره مندی مردم از ثمرات علم، فناوری و نوآوری و ایجاد فضای مناسب برای گفت و گو در این زمینه، در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید. از آن سال تاکنون یونسکو تمامی کشورهای عضو همانگونه که فلسفه اصلی تشکیل این سازمان حکم می کند در حوزه علم نیز به دنبال ایجاد تفکر صلح در اذهان بشر بوده است. دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو با اشاره به اینکه ایران برای نشان دادن میزان اهمیت اخلاق در علم و فناوری، جایزه بین المللی ابن سینا را به یونسکو پیشنهاد کرده است، خاطرنشان کرد: علم باید بتواند از درد و رنج بشر بکاهد و این تضمین نخواهد شد مگر آنکه دانش از همراهی اخلاق برخوردار باشد. جایزه بین المللی ابن سینا نیز هر دو سال یکبار به بهترین آثار، مقالات و کتابهایی که در زمینه اخلاق در علم و فناوری خلق شده اند، اهدا می شود.

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/world-science-day>
<http://www.aminpharma.com>



۱۸ نوامبر / روز جهانی فلسفه

سازمان یونسکو ۱۸ نوامبر همزمان با ۲۸ آبان را روز جهانی فلسفه نامید و هدف از این اقدام را



۳۱ اکتبر / روز جهانی میراث سمعی و بصری

امروزه یونسکو با همکاری با شورای هماهنگی اتحادیه آرشیوهای دیداری- شنیداری و سایر نهادهای مرتبط با حفاظت از میراث سمعی و بصری در سراسر جهان، نقشی محوری در حفظ و به اشتراک گذاردن این اسناد که کم دوام و در معرض نابودی هستند، ایفا می کند. لذا، این سازمان روز ۳۱ اکتبر را بعنوان روز جهانی میراث دیداری- شنیداری تعیین کرد. برنامه حافظه جهانی یونسکو با هدف نگهداری از میراث مستند ارزشمند و نیز افزایش آگاهی ها در مورد ارزش غیرقابل اندازه گیری این میراث برای نسل های حال و آینده شکل گرفت. فهرست حافظه جهانی که در سال ۱۹۹۷ بنیان نهاده شد اکنون شامل بیش از ۴۵۰ نمونه از آثار ثبت شده میراث مستند است. میراث دیداری- شنیداری نیز از جمله میراث مستندی است که از ارزش جهانی قابل ملاحظه ای برخوردار است. حفظ و نگهداری از میراث دیداری- شنیداری جهان در واقع به منزله حفاظت از حافظه جمعی ما و انتقال آن به نسل های آینده و لازمه ایجاد آینده ای مشترک بر مبنای تفاهم و گفتگو، فهمیدن و آشنایی با گذشته است.

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/audiovisual-heritage-day>
<https://sinapress.ir/news/۹۵۳۵۲>



کودک برگزار کند. بر اساس مصوبه‌ی جهانی سازمان ملل، کشورهای مختلف یک روز را به نام کودک انتخاب کرده و همه‌ساله آن روز را با هدف توجه دادن جامعه به مسائل کودک جشن می‌گیرند. روز جهانی کودک اولین بار توسط انگلستان در سال ۱۹۵۴، به منظور تشویق همه کشورها برای ارتقا تبادل و تفاهم متقابل درباره مشکلات، حقوق کودکان و اقدام عملی برای رفاه کودکان جهان اعلام شد. در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹، سازمان ملل متحد بیانیه حقوق کودک را تصویب کرد و سازمان ملل متحد پیمان‌نامه حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب رساند.

منابع:

<https://www.imna.ir/news/۴۵۶۵۶۰>
<https://www.un.org/en/observances/world-childrens-day>



۲۰ دسامبر / روز جهانی همبستگی انسانی

مفهوم همبستگی در کار سازمان ملل از زمان شکل‌گیری سازمان تعریف شده است. سازمان ملل متحد به صورت همزمان صلح، حقوق بشر، و توسعه اقتصادی و اجتماعی را در جهان با ملیت‌های متفاوت مورد توجه قرار می‌دهد. سازمان بر اساس یکپارچگی و هارمونی بین اعضای آن شکل گرفته است. در میان اعضای ملل متحد، مفهوم امنیت جمعی، به معنای همبستگی اعضا به منظور یکپارچه نگهداشتن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تعریف می‌گردد. همچنین این مفهوم، بر مشارکت در حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، یا انسانی و روح همبستگی تاکید دارد. مجمع عمومی در ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۵ با قطعنامه ۶۰/۲۰۹ همبستگی را به عنوان یکی از ارزش‌های اصلی و جهانی اعلام کرد که باید زمینه روابط بین افراد در قرن بیست و یکم باشد. بدین ترتیب، تصمیم گرفتند ۲۰ دسامبر هر سال را روز بین‌المللی همبستگی بشر بنامند. روز جهانی همبستگی بشر روزی است که:

توجه به نقش مهم فلسفه برای ایجاد رفاه انسانی، پیشبرد و ترویج صلح در جامعه عنوان کرد. همچنین تاکید بر اهمیت جهانی شدن آموزش فلسفه برای نسل‌های آینده، تحقیق و مطالعه در مورد مسایل مهم معاصر برای پاسخگویی به چالش‌های روز، بالا بردن سطح آگاهی عمومی از جایگاه فلسفه و استفاده منتقدانه از فلسفه در تحلیل مشکلات ناشی از تاثیر جهانی شدن یا ورود به مدرنیته از دیگر اهداف این نامگذاری بود.

منابع:

<https://www.irna.ir/news/۸۲۵۶۰۲۵۴۸۱>
<https://www.irna.ir/news>



۲۰ نوامبر / روز جهانی کودک

۲۰ نوامبر از سوی سازمان ملل متحد روز جهانی کودک نامگذاری شده است. ۲۰ نوامبر در سال ۲۰۲۰ با ۳۰ آبان برابر است. روز کودک در دومین یکشنبه ژوئن سال ۱۸۵۷ توسط دکتر شریف چارلز لئونارد، کشیش کلیسا، در ماساچوست آغاز شد؛ روز کودکان برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ با تعیین تاریخ ۲۳ آوریل توسط جمهوری ترکیه به‌طور رسمی تعطیل ملی اعلام شد. ایده برگزاری روز جهانی کودک، به «کنفرانس جهانی برای رفاه کودکان» بازمی‌گردد که در ماه آگوست سال ۱۹۲۵ در ژنو برگزار شد. در این کنفرانس، نمایندگان ۵۴ کشور گردآمده بودند تا منشوری در دفاع از حقوق کودکان تصویب کنند. اما تاریخچه روز جهانی کودک، به‌طور رسمی به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد؛ با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم، میلیون‌ها کودک در سرتاسر جهان گرفتار رنج‌های بی‌پایان شدند. هزاران کودک در اردوگاه‌های مرگ جان سپردند، صدها هزار کودک در بمباران‌های شهرها و مراکز غیر نظامی دفن شدند و صدها هزار کودک معلول و بی سرپرست و بی خانمان از آتش ویرانگر جنگ بر جای ماندند. سازمان آمریکایی برای رفاه کودکان، در سال ۱۹۵۲ سازمان ملل متحد را فراخواند تا روزی را به عنوان روز جهانی

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/education-day>
<https://ketabak.org/content/14669-24>



۱۱ فوریه / روز جهانی زنان و دختران در علم

سازمان ملل متحد در راستای جلب توجه جهانی به اهمیت حضور زنان در عرصه علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات در سال ۲۰۱۶ قطعنامه‌ای را تصویب و از آن سال به بعد ۱۱ فوریه را روز جهانی زنان و دختران در علم نامگذاری کرد. موضوع زنان در حوزه علوم، فنی و مهندسی و ریاضیات از اواسط سال ۲۰۰۶ مورد توجه عموم قرار گرفت و در برخی از اسناد و تحلیل یونسکو به آن اشاره شد. این موضوع تا اواسط دهه اخیر به صورت فرعی مورد توجه بود تا اینکه در سال ۲۰۱۶، به منظور جلب توجه جهانی به اهمیت حضور زنان در این عرصه، قطعنامه‌ای در سازمان ملل به تصویب رسید و به این منظور ۱۱ فوریه به عنوان روز جهانی زنان در علم نامگذاری شد و بر این اساس حوزه STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) مورد توجه جدی قرار گرفت.

در کشور ایران در حال حاضر ۵۶ درصد کل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی را زنان تشکیل می‌دهند، گفت: همچنین ۶۹ درصد از دانشجویان علوم پایه، ۲۳ درصد از دانشجویان فنی و مهندسی، ۵۲ درصد رشته‌های کشاورزی و ۵۳ درصد از دانشجویان رشته‌های پزشکی را نیز زنان تشکیل می‌دهند. همچنین به منظور ارتقاء مهارت‌های زنان در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه جامعی برای توانمندسازی زنان توسط وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران طراحی شده و در ۹۶ نقطه کشور به اجرا درآمده و هزاران زن و دختر روستایی با شرکت در این برنامه علاوه بر کسب مهارت، با فرصت‌های

همبستگی در عین تفاوت‌هایمان را جشن می‌گیریم.

به دولت‌ها یادآوری می‌کنیم که به تعهد‌های خود در توافقنامه‌های بین‌المللی شان احترام بگذارند. آگاهی عمومی را در خصوص اهمیت همبستگی بالا می‌بریم. مباحث مرتبط با شیوه‌های پیش بردن همبستگی برای به دست آوردن اهداف توسعه پایدار از جمله کاهش فقر را مورد توجه قرار می‌دهیم. پیشگامان جدیدی که در نظر دارند فقر زدایی کند را مورد تشویق قرار می‌دهیم.

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/human-solidarity-day>
 UN.org



۲۴ ژانویه / روز جهانی آموزش

هر کودکی باید از حق آموزش برخوردار باشد. آموزش حقوق بشر است، یک خیر همگانی و مسئولیتی همگانی است. این شعار است که یونسکو، برای روز جهانی آموزش در ۲۴ ژانویه ۲۰۲۰ برگزیده است. این روز که اکنون دومین سال برگزاری آن بزرگ داشته می‌شود، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد تا تأکیدی بر نقش آموزش بر روی گسترش صلح و پیشرفت باشد.

بدون آموزش فراگیر و کیفی و فرصت‌هایی که این آموزش در دوره زندگی برای همگان ایجاد می‌کند، کشورها نمی‌توانند در موضوع‌هایی مانند شکستن چرخه فقر که میلیون‌ها کودک و نوجوان را وادار به رها کردن آموزش می‌کند، راه‌هایی پیدا کنند. به یاد داشته باشیم، امروزه، ۲۵۸ میلیون کودک و نوجوان هنوز نمی‌توانند در مدرسه حاضر شوند، ۶۱۷ میلیون کودک و نوجوان سوادپایه شامل خواندن و حساب ساده را نیاموخته‌اند. و در این میان دختران در وضعیت شکننده‌تری از پسران به سر می‌برند.

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/mother-language-day>
<https://fa.wikipedia.org/wiki>



۲۱ مارس / روز جهانی نوروز

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ سه شنبه ۴ اسفند ۱۳۸۸ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۱۰ با تصویب قطعنامه‌ای روز ۲۱ مارس برابر با ۱ فروردین را در چارچوب ماده ۴۹ و تحت عنوان فرهنگ صلح به عنوان روز جهانی نوروز به تصویب رسانده و در تقویم خود جای داد، طی این اقدام که برای نخستین بار در تاریخ این سازمان صورت گرفت، نوروز ایرانی به عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.

قطعنامه نوروز به ابتکار نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و با همکاری جمهوری آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان آماده و به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، ضمن اینکه ۳ کشور هند، آلبانی و مقدونیه نیز در روز رای گیری به کشورهای تهیه‌کننده این قطعنامه پیوستند. در اطلاعیه دفتر روابط عمومی مجمع عمومی سازمان ملل آمده است که امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در ایران، افغانستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز، در منطقه بالکان، حوزه دریای سیاه و خاورمیانه آغاز فصل بهار را با سنت باستانی عید نوروز که تأکیدی است بر زندگی در هماهنگی و تعادل با طبیعت، جشن می‌گیرند. در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد، توصیف شده است. پیشتر و در تاریخ ۸ مهر همین سال عید نوروز به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشری، در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل، یونسکو، به ثبت رسیده بود.

منابع:

<https://www.un.org/en/observances/international-nowruz-day>

کسب و کار دیجیتالی آشنا شده اند. این اقدامات در کنار توسعه مراکز رشد و همچنین حمایت از مراکز نوآوری که توسط زنان ایجاد شده نوید حضور بیشتر زنان در این عرصه را می‌دهد.

منابع:

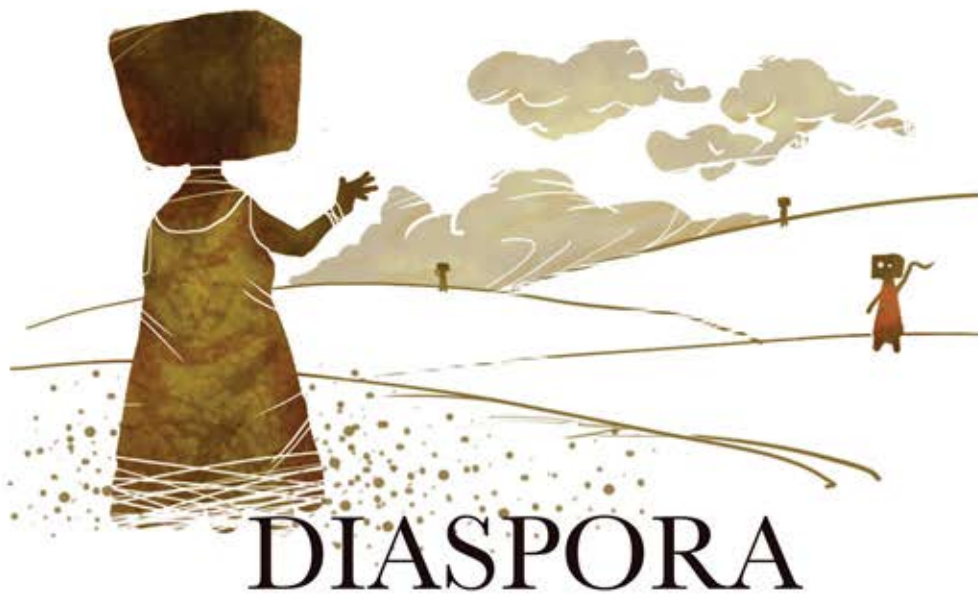
<https://www.un.org/en/observances/-/women-and-girls-in-science-day>
<http://women.gov.ir/fa/news/12704>



۲۱ فوریه / روز جهانی زبان مادری

روز ۲۱ فوریه (۲ اسفند) از طرف یونسکو به عنوان روز جهانی زبان مادری (International Mother Language Day) نامگذاری شده است. نامگذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ به منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی انجام شده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به دلیل اهمیت زیاد آن، سال ۲۰۰۸ را سال جهانی زبان‌ها اعلام کرد.

دلیل نامگذاری روز جهانی زبان مادری از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۵۲ دانشجویان دانشگاه های مختلف شهر داکا پایتخت امروزی کشور بنگلادش که در آن زمان پاکستان شرقی نامیده می‌شد و هنوز مستقل نشده بود، از جمله دانشجویان دانشگاه داکا و دانشکده پزشکی آن تلاش جهت ملی کردن زبان بنگالی به عنوان دومین زبان پاکستان (در کنار زبان اردو) تظاهرات مسالمت‌آمیزی در این شهر براه انداختند. به دنبال این حرکت دانشجویان، پلیس به آن‌ها تیراندازی کرده، عده‌ای از آن‌ها را کشت. بعد از استقلال بنگلادش از پاکستان و به درخواست این کشور، برای نخستین بار سازمان یونسکو در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۹۹ روز ۲۱ فوریه (برابر با دوم و گاهی سوم اسفند) را روز جهانی زبان مادری نامید و از سال ۲۰۰۰ این روز در بیشتر کشورها گرامی داشته می‌شود و برنامه‌هایی در ارتباط با این روز برگزار می‌گردد.



DIASPORA

تعامل با اساتید دیاسپورای ایرانی فرصتی برای توسعه بین المللی دانشگاه فرهنگیان

محمد واشقانی فراهانی

کارشناس مسئول برنامه ریزی و ساماندهی ارتباطات علمی بین المللی دانشگاه فرهنگیان

زیادی انجام دهد، روال اداری پیچیده تری طی کند، مترجم کارآمد و آشنا به موضوع تخصصی به کار بگیرد و در نهایت ممکن است مطالب مطرح شده از زبان استاد خارجی به دلیل فاصله فرهنگی و شناختی باب میل مخاطب ایرانی قرار نگیرد. البته نباید از این موضوع غافل شد که ممکن است کیفیت برخی اساتید خارجی به قدری باشد که علاقه مندان به دانش افزایی و کسب علم تمامی این سختی ها را بپذیرند. اما به هر حال ظرفیت استفاده از اساتید دیاسپورا می تواند راه حل رفع بسیاری از مشکلات فوق باشد. در ادامه با برخی از مزیت های بهره مندی از اساتید ایرانی مقیم خارج از کشور آشنا می شویم.

آشنایی با فرهنگ ایرانی - اسلامی

شناخت مخاطب و نیاز آن در برگزاری دوره های آموزشی اهمیت بسیاری دارد. در مواقع بسیاری، اساتید صاحب نام خارجی نتوانسته اند نیازهای مخاطب ایرانی را تشخیص بدهند و میزان رضایتمندی مخاطب سطح مطلوبی را نشان نداده است. علت امر بسیار روشن است، سطح ارائه مطالب از سوی استاد صاحب نام خارجی با سطح انتظار مخاطب ایرانی همخوانی ندارد که علت اصلی آن عدم شناخت کافی استاد از نیاز مخاطب است. در این میان، با توجه به تجربه زندگی و تحصیل اساتید دیاسپورای ایرانی در ایران اسلامی، این اساتید خیلی بیشتر با نیازهای

کشور ایران از جمله کشورهایی است که در نخبه پروری رتبه قابل توجهی در سطح جهان دارد و به زعم خیلی از صاحب نظران، استعداد و پشتکار ایرانی ها در زمینه های علمی و تخصصی بسیار مطلوب است. گواه این سخن نیز تعداد بالای ایرانیان موفق در عرصه های مختلف است که البته بسیاری از آنها برای کسب دانش و رشد علمی بیشتر در کشورهای دیگر مقیم شده اند. اساتید ایرانی بسیاری در خارج از کشور حضور دارند که آوازه جهانی داشته و در رشته علمی خود زبانزد هستند، اما به هر دلیلی فرصت همکاری با دانشگاه های ایرانی را پیدا نکرده اند. اساتیدی که علاقه مند هستند تا یافته ها و دستاوردهای علمی خود را با اساتید و دانشجویان ایرانی در کشور به اشتراک بگذارند.

از ظرفیت های بین المللی شدن دانشگاه های ایرانی بهره مندی از دانش و تجربه اساتید ایرانی مقیم خارج از کشور است که با موسسات، دانشگاه ها و نهادهای علمی بین المللی همکاری دارند و با عنوان "اساتید دیاسپورا" شناخته می شوند. از نقاط قوت استفاده از اساتید دیاسپورا آشنایی مناسب آنها با فرهنگ و مقتضیات و شرایط کشور است. به زبان ساده می توان گفت جدای از نقاط مثبت استفاده از دانش و تجربه اساتید خارجی که کم و بیش با آن ها آشنا هستیم، اگر دانشگاهی در ایران بخواهد از دانش و تجربه استادی غیر ایرانی بهره مند شود باید مکاتبات



تسهیل گری در امر توسعه ارتباطات و همکاری های علمی بین المللی

اساتید دیاسپورا می توانند نقش موثری در تسهیل ارتباطات علمی بین المللی داشته باشند و زمینه همکاری دانشگاه با موسسات و نهادهای بین المللی خارجی را تسهیل کنند. این ظرفیت می تواند فرصتی مغتنم برای کسب اطلاعات معتبر در مورد دانشگاه های طراز اول در سطح جهان باشد. همچنین در صورت نیاز به برخی پیگیری ها می توان از این ظرفیت بهره برد. مدیریت همکاری ها و ارتباطات علمی بین المللی دانشگاه فرهنگیان با درک این ظرفیت و رصد اساتید دیاسپورای ایرانی فعال در زمینه های مرتبط با موضوع تربیت معلم می تواند چشم انداز مطلوبی در توسعه همکاری های علمی بین المللی برای خود ایجاد کند.

موانع موجود در مسیر استفاده از این ظرفیت
از دغدغه های این چشم انداز در شرایط موجود، شیوع ویروس منحوس کرونا و محدودیت های آمد و شد در سطح بین الملل است. به طوریکه امکان دعوت از اساتید دیاسپورا جهت حضور در کشور در حال حاضر با پیچیدگی هایی همراه است. مدیریت همکاری ها و ارتباطات علمی بین المللی دانشگاه در جهت رفع این مشکل توانسته است با همکاری مرکز هوشمندسازی دانشگاه زیرساخت لازم جهت ایجاد ارتباط مجازی میان اساتید دیاسپورا و مخاطبان در داخل کشور را فراهم کند. امید است در آینده ای نزدیک و رفع موانع موجود بتوان از این ظرفیت ها استفاده کرد.

مخاطب ایرانی آشنا هستند و می توانند به خوبی مطالب علمی روزآمد را برای مخاطبان بیان کنند. این اساتید نقاط ضعف و قوت علمی ایران را بهتر می شناسند و سازماندهی بهتری برای مطالب خود خواهند داشت.

ارائه مطالب به زبان شیوای فارسی

زبان ارائه مطلب به عنوان کانال ارتباطی میان استاد و مخاطب از مهمترین جنبه های هر دوره آموزشی است. اگر تجربه حضور در دوره های آموزشی با ارائه استاد خارجی را داشته باشید، حتما با این اتفاق مواجه شده اید که در حین تدریس استاد و ترجمه همزمان، برخی واژگان تخصصی به خوبی ترجمه نمی شوند. حتی گاهی به دلیل سرعت بیان مطالب از سوی استاد فرایند ترجمه به تعویق می افتد و حتی برخی مطالب طی فرایند ترجمه حذف می شوند، یا اینکه وقفه های استاد جهت ایجاد فرصت ترجمه، آهنگ و جریان ارائه مطلب را مختل می کند. در حالیکه با توجه به گویش فارسی اساتید دیاسپورای ایرانی، نیازی به تامین مترجم همزمان و آشنا به موضوع نخواهد بود و فرایند انتقال و درک مطلب برای مخاطب نیز کیفیت بهتری خواهد داشت.





ارتباط با مدیریت همکاری‌ها و ارتباطات علمی و بین‌المللی دانشگاه

International.fteu@gmail.com
international@cfu.ac.ir
<https://cfu.ac.ir/en>
<https://cfu.ac.ir/ISCU>

تلفن : ۰۲۱-۸۷۷۵۱۲۳۷ ۰۲۱-۸۷۷۵۱۱۵۸